هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند حتماً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است



« شهروندان می گویند در دیگر کشورهای اسلامی به خاطر ماه مبارک رمضان نرخ ها کنترل می شود و به افتخار این ماه نرخ ها پایین می آید، اما در افغانستان نه تنها کنترل نمی شود، بلکه نرخ ها بلند می رود. دولت باید جلو این کار را بگیرد و یک اقتصاد مختلط را به میان بیاورد. مشکل شهروندان را نادیده نگیریم در غیرآن صورت، مشکلات زیاد و زیادتر شده می رود. بازار آزاد مقدس نیست. اصلاً مصالح مردم، منافع و حیات مردم مقدس است.»

از سخنان رهبر شهید

دور ششم –سال دوازدهم – شمارهٔ شانزدهم ۲۲ سرطان ۱۳۹۲ ۴ رمضان المبارک ۱۴۳۴ - 13 July 2013

پیام صلاح الدین ربانی رئیس مؤقت جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی صلح بمناسبت

ماه مبارک رمضان



فرا رسیدن ماه صیام وقیام، ماه صبر و استقامت، ماه محاسبه با نفس و ماه رحمت و بخشش را به تمام ملت مجاهد و مسلمان افغانستان تبریک و تهنیت عرض می‌کنم و از پروردگار منان خواهانم که این ماه را برای ملت مسلمان و رنج دیدهٔ ما یک ماه پر از صلح، صفا، صمیمیت و همدلی بگرداند!

ما امسال ماه مبارک رمضان را در حالی تجلیل می کنیم که ملت عزیزما نسبت به هر وقت دیگری به صلح وآرامش و امنیت و ثبات نیاز دارند. امیدواریم که این ماه برکت زمینه ای باشد برای زدودن کینه ها وکدورت های گذشته و بازگشت به آغوش یک صلح دایمی و زندگی مسالمت آمیز.

ص۶

«آبشخور بحران کنونی مصر»

◇ **پوهنمل سید عنایت الله شاداب**

به عنوان مقدمه در ارتباط به بحران کنونی مصر دونکته را نباید از نظر دور داشت که یکی به جامعه شناسی ارتباط دارد که همانا مرحله گذار از جوامع استبدادی به مرحلهٔ مردم سالاری است که امروز جوامع اسلامی به ویژه خاور میانه بعد ازبهار عربی از جمله مصر که مرحلهٔ زایمان را سپری می کند که باید دردهای این زایمان را تحمل کند وسپری نماید. دوم هم این که با سقوط حاکمیت



اندیشهٔ کمونیزم و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق در اواخر قرن بیست بحیث پرچمدار این اندیشه، لیبرال دموکراسی به مثابهٔ یک اندیشهٔ سلطه جو و عظمت طلب و هژمونستی در قاموس سیاسی جهان معاصر تجلی یافته و بحیث تهدید فرهنگی ارزش های اسلامی را به چالش گرفت و شعار جهانی سازی فرهنگ لبرال دموکراسی را بلند کرد.

لیبرال دموکراسی غربی در مرحلهٔ کنونی پرچمدار این ادعاست که به حقایقی دست یافته است که سعادت انسان ها را تامین می کند و با اتخاذ همچو یک موضع بر اصل نسبی گرایی و دگر دیسی و کثرتگرایی فکری چلیپا کشیده و بر بسط حاکمیت ارزش های خود با قرائت ویژهٔ که از آن ها وارد به شأن ارزش های فطری انسان، تاکید می ورزد و در نقش علمبردار مبارزهٔ ایدیولوژیکی کار می کند که در شعار آن را محکوم می نماید.

ص۳

عبدالستار مراد رئیس مؤقت کمیتهٔ سیاسی جمعیت اسلامی:

رخداد مصر کودتا علیه نظام مردم سالاری بود



در روزهای اخیر سرنگونی حاکمیت یک سالهٔ دکتور مرسی در مصر، توسط ارتش این کشور، یکی از رخدادهای خبرساز و حیران کننده در جهان بود. حکومت منتخب آقای مرسی که توسط رأی مردم قدرت را به دست گرفته بود، پس از سرنگونی توسط ارتش این کشور، از سوی وجدان های بیدار و عدالت پسند در سراسر جهان محکوم شد.

جمعیت اسلامی افغانستان، تحولات اخیر مصر را کودتای نظامی علیه حکومت مردمی خواند و آن را خلاف قانون و ارزش های بشری می داند. عبدالستار مراد رئیس کمیتهٔ سیاسی جمعیت اسلامی افغانستان در یک نشست خبری به روز سه شنبه تاریخ ۱۸ سرطان گفت: حکومت مصر برخاسته از ارادهٔ و آرای

ص۶

اعلامیهٔ جمعیت اسلامی افغانستان در محکومیت کودتای نظامی مصر

نظامیان مصر در یک اقدام خلاف قانون و ارزش های بشری، نظام بر خاسته از ارادهٔ مردم را با کودتا بر انداختند و با به تعلیق در آوردن قانون اساسی این کشور، دیموکراسی نوپای آن کشور را از پا در آوردند. مردم مصر پس از ده ها سال تحمل استبداد نظامیان، سال گذشته به دنبال جنبش بهار عربی، پای صندوق های رأی رفته و به دکتور محمد مرسی عیسی العیاط رای دادند و بدین ترتیب او به عنوان اولین رئیس جمهور منتخب غیر نظامی جهان عرب در نتیجهٔ ارادهٔ معطوف به تغییر مردم مصر، انتخاب شد. دولت جدید مصر با وجود کاستی هایی که عمدتاً میراث باقی مانده از دولت نظامی حسنی مبارک بود، به مردم مصر پیام دوستی و همکاری و به افراطی گری پاسخ رد داد. با آن هایی که در دهه های پسین بر اخوان المسلمین ظلم و بیداد روا داشته بودند، با رأفت و مهربانی رفتار کرد، میان مسلمانان و نا مسلمانان در مصر فضای همکاری و تساند به وجود آورد، مناسبات تازهٔ را در سطح منطقه و جهان برقرار کرد.

با این همه، نظامیان مصری و نیروهایی که همیشه مردم سالاری و سازکارهای دموکراتیک را فقط ابزاری برای انحصار قدرت در دست خودشان می دانند، با نا عاقبت اندیشی، کودتایی را علیه دولت منتخب مصر سازمان دادند که نمونه های قبلی آن در ترکیه و الجزایر پیامدهای زیانبار در منطقه و جهان به جا گذاشته بود.

جمعیت اسلامی افغانستان در حالی که کودتای نظامی در مصر را محکوم می کند، بدین باور است که کودتای مصر، اختطاف انقلاب مردم مصر است و روند توسعهٔ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را نیز به بن بست می کشاند. این کودتای نظامی، جامعهٔ جهانی را سخت به آزمون طلبیده است و باید نهاد های بزرگ بین المللی و جامعهٔ جهانی ثابت کنند که نگاه آن ها به مسألهٔ ارزش های مشترک بشری ای مثل حقوق بشر، مردم سالاری و تعامل با قدرت های معطوف به ارادهٔ مردم یک سان است.

جمعیت اسلامی افغانستان معتقد است که نادیده گرفتن ارادهٔ مردم، افراط گرایی و تروریسم را تقویت می کند و گفتمان آن ها را فربه می سازد. ما بارها گفته ایم که عمده ترین منبع تغذیهٔ تروریزم در سطح جهان به ویژه در کشورهای اسلامی، استبداد، زورگویی و بی عدالتی است.

حوادث بامداد روز جمعه در قاهره و حوادث خونین دیگر چند روز قبل در شهرهای مختلف مصر نشان داد که نتیجهٔ این کودتا، جز خفه کردن صدای مردم، به خشونت کشانیدن جامعهٔ متساهل و آرام مصر و لکه دار کردن اعتبار و وجهه این کشور در سطح منطقه و جهان، هیچ دست آورد دیگری ندارد.

جمعیت اسلامی افغانستان باور دارد که تمکین نظامیان مصر به قانون اساسی این کشور، احترام به ارادهٔ مردم و برگشت شان به پادگان ها، راه حل مشکل کنونی مصر است.

به آرزوی پیروزی حق بر باطل و عدل بر بیداد.

صلاح الدین ربانی
رئیس مؤقت جمعیت اسلامی افغانستان

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس:وزیر محمد اکبرخان سرک۱۵کوچه B5خانه نمبر۲۶۲
شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵/ ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

رمضان ماه تزکیهٔ نفس و رسیدگی به بینوایان

در ماه مبارک رمضان – ماه تقوی، طهارت، برکت، رحمت و مغفرت - قرار داریم این ماه از همهٔ مسلمانان می طلبد تا به تزکیهٔ نفس بپردازند، از محرومان و مستمندان دستگیری نمایند، روابط شان را با دوستان و نزدیکان صمیمی بسازند، از ستیزه جویی و جنگ امتناع جویند و به صلح روی آورند. ماه مبارک رمضان، ماه رحمت بی پایان خداوند است. بناءً بر مسلمانان است تا خود را در این ماه مبارک به آنچه فلسفهٔ وجودی این ماه است، آراسته بسازند.

ماه مبارک رمضان، ماه دستگیری از مستمندان، ماه پرداخت زکات، ماه رسیدگی و کمک به بی نوایان و مظلومان، ماه عبادت و ماه تزکیهٔ نفس است، که سخت باید به آن توجه داشت. گرانفروشی ظلمی است که عرضه کنندگان مواد و اجناس، به مردم روا می دارند. این عمل سبب می شود تا برخی شهروندان کشورما توان تهیهٔ ابتدایی ترین مواد ارتزاقی را پیدا نه نمایند. نا امنی از یکسو و بی توجهی دولت از سوی دیگر باعث گردیده تا اکثریت مردم کشورما در نبود زمینهٔ کار، اشتغال زایی و عواید ناکافی، با وضعیت بد اقتصادی قرار گیرند. دولت هم با پیگیری سیاست اقتصاد بازار آزاد که با وضعیت فعلی کشورما همخوانی چندانی ندارد، در کنترل قیمت ها در بازار عاجز مانده است. تجار ملی و رده های پایینی هم انصاف را کنار گذاشته، در بلند بردن قیمت ها سبقت می جویند. سیاست بازار - آنهم بازار آزاد - استوار بر این است، حینی که تقاضا برای خرید مواد و اجناس مورد ضرورت رونق پیدا کند، فروشنده گان بدون درنظرداشت وضعیت اقتصادی مردم و بدون اینکه اصل شرعی معامله رعایت شود، بی انصافانه و مطابق خواست شان بالای امتعهٔ نرخ می گذارند و مشتری هم ناچار به دریافت آن می شود.

موضوع دیگری که از مکلفیت های ایمانی و وجدانی مسلمانان و جزء فرهنگ پربار دین اسلام به شمار می آید کنار گذاشتن کینه، کدورت و رنجش بین انسان هاست، پس به روایت حدیثی از پیامبر صلی الله علیه وسلم، "مسلمان نباید بیش از سه روز با هم قهر باشد." کسانی که رنجشی بین هم دارند در ماه مبارک رمضان که عید را در پی دارد، بر آشتی کردن بر یکدیگر سبقت جویند، به صلح و آشتی روی آورند. از مخالفان مسلح دولت و نیروهای امنیتی نیز می طلبیم تا در ماه مبارک رمضان حملات شان را توقف دهند و زمینهٔ عبادت و خوشی را به شهروندان کشور فراهم سازند. فقر و تهیدستی شهروندان و نبود آرامش و صلح در کشور از جمله تهدید های است که باید در امحای آن نقطهٔ پایان داد. پس بخاطر مصالح و منافع حیات مردم، وظیفهٔ دولتمردان است تا با آن توجهٔ جدی مبذول دارند.

از بارگاه خداوند لایزال مسئلت می نماییم در رمضان، توفیق بهره برداری از این ماه، به پا داشتن روزه های این ماه و شب زنده داری، کمک به محرومین و مستمندان، مبارزه با هوای نفس را عنایت بفرماید، و همه مسلمانان را مشمول بخشش و رحمت گرداند.

قانون انتخابات و خبط مجلس سنا

◇ **محمد اکرام اندیشمند**

مجلس سنای افغانستان خبط مجلس نمایندگان را در مورد قانون انتخابات تکرار کرد. مجلس سنا قانون انتخابات را که بر مبنای نظام اکثریتی از سوی مجلس نمایندگان تصویب شده بود، مورد تأیید قرار داد. در نظام اکثریتی، انتخابات براساس رأی واحد و غیر قابل انتقال عملی می شود. در این نظام، احزاب سیاسی

نقشی در انتخابات ندارند. در حالی که انتخابات پارلمانی یگانه میدان رقابت احزاب سیاسی در عرصهٔ مبارزات سیاسی است، اما قانون انتخابات این میدان را بروی احزاب سیاسی می بندد.

تصویب قانون انتخابات بر مبنای نظام اکثریتی با محرومیت احزاب سیاسی توسط مجلس نمایندگان یک حرکت غیر دموکراتیک بود. وقتی این قانون برای بررسی به مجلس سنا رفت این امیدواری وجود داشت که این اتاق پارلمان افغانستان بر آن اقدام نابجای مجلس نمایندگان صحه نگذارد و با دید معطوف بر نیاز توسعهٔ سیاسی، دموکراسی و عدالت اجتماعی قانون انتخابات را کم از کم بر مبنای نظام مختلط مورد تصویب قرار دهد.

محرومیت احزاب سیاسی از ایفای نقشی در انتخابات پارلمانی و پارلمان منتخب یک عمل عمدی و برنامه ریزی شده در تخریب توسعهٔ سیاسی جامعهٔ افغانستان و تضعیف احزاب است. هر چند طرفداران و حامیان نظام اکثریتی در انتخابات پارلمانی چه رهبری دولت و حامیان این نظام در پارلمان عدم وجود احزاب نیرومند و متنفذ سیاسی را در جامعه و کشور به حمایت از این نظام ارتباط می دهند، اما در واقع آنها بصورت آگاهانه و عمدی از تقویت احزاب سیاسی جلوگیری می کنند.

پیامد ضعف احزاب و عدم نقش آنها در کشور و در پارلمان به عنوان نهاد قانون ساز و نظارت کننده بر اجراآت حکومت، تنها تقویت نظام مافیایی قدرت در افغانستان است. در حالی که دولت افغانستان و به خصوص رئیس جمهور کرزی در رهبری این دولت خود را به دموکراسی و تقویت آن متعهد می داند و آزادی رسانه ها را از مهم ترین افتخارات دموکراسی تلقی می کند، اما دموکراسی بدون نقش و حضور احزاب سیاسی معنی و مفهومی ندارد. کسانی که از دموکراسی در جامعه و کشور سخن می گویند و نظام حاکم سیاسی را استوار بر دموکراسی قلمداد می کنند، هیچگاه به تقویت احزاب سیاسی به عنوان مهم ترین و اصلی ترین ارزش و نشان دموکراسی چشم نمی بندند.

نظام سیاسی در کشور در نبود نقش و حضور قدرتمند احزاب سیاسی نه نظام مبتنی بر دموکراسی، بلکه مبتنی بر ارادهٔ فردی و یا یک گروه ریاکار حاکم است که در صدد حفظ و ادامهٔ قدرت بگونهٔ مافیایی می باشند. عدم تقویت احزاب سیاسی و محرومیت آنها از عرصهٔ مبارزات سیاسی در قدرت، سیاست را در افغانستان قومی و قبیله یی نگه می دارد و دست مافیای قدرت را در تمام نهادهای دولتی برای سلطه و غارت می گشاید. در حالی که تقویت احزاب سیاسی از الزامات توسعهٔ سیاسی و رشد دموکراسی است و جامعه را از جامعهٔ قومی و قبیله ای بسوی جامعهٔ شهروندی متحول می سازد. و تنها در شکل گیری جامعهٔ شهروندی است که تفرقه و تعارضات قومی، مذهبی، زبانی و غیره جای خود را به وحدت ملی و عدالت اجتماعی می دهد. این تنها مافیای قدرت است که در افغانستان چه در درون نهاد پارلمان و چه در نهاد اجرایی دولت از مافیایی نگهداشتن قدرت سود می برد و از تداوم تفرقه و تعارضات قومی، زبانی و اجتماعی سوء استفاده می کند.

نکتهٔ بسیار اسف انگیز و دردناک عملکرد پارلمان افغانستان است که چگونه به عنوان نهادی که خود با نظام دموکراسی از راه انتخابات شکل یافت قبل از همه بر ریشهٔ دموکراسی تیشه می زند؟ چرا هر دو اتاق پارلمان افغانستان این خبط تاریخی را مرتکب شدند و قانونی را در انتخابات تصویب کردند که با روح دموکراسی ناسازگار و ناهمسو است؟

در بارهٔ
ریاست دارالانشای جمعیت اسلامی

■ **محمد نسیم فقیری**

برهمه شاید معلوم و آشکار باشد که سازماندهی اولیهٔ جمعیت اسلامی افغانستان در سال های نخست دههٔ پنجاه شمسی در شهر کابل صورت گرفت. در نخستین جلسهٔ رهبری بنا بر توافق شهید پوهاند غلام محمد نیازی، شهید پوهنمل برهان الدین ربانی به حیث رهبر، محترم استاد عبدالرب رسول سیاف به حیث معاون و شهید انجنیر حبیب الرحمن محصل پولی تخنیک کابل به حیث منشی جمعیت اسلامی افغانستان تعیین گردیدند. حوادث دردناک و خونباری بر جمعیت اسلامی در ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ با کودتای استبدادی سردار محمد داوود خان، تحمیل گردید و تعدادی از شخصیت های رده های بالای جمعیت به زندان ها افتادند. شهید پوهاند نیازی و شهید انجنیر حبیب الرحمن نخستین منشی جمعیت از دستگیر شده گان اول جمعیت بودند و حتی منشی جمعیت قبل از دیگران توسط پولیس رژیم داوود خان به زندان افگنده شد...

در مورد حرف های قیام مسلحانه از اردو و بعد در خارج از اردو و بحث ها و مناقشه ها در این مورد، باید به تفصیل سخن گفت که این مقاله توان آن را ندارد. سرانجام در سال دوم سلسلهٔ مهاجرت ها به پشاور و پس از کودتای ننگین هفت ثور، در حالی که محترم انجنیر احمد شاه احمدزی به حیث معاون جمعیت اسلامی، وظیفه اجرا می کرد. وی استادی در دانشگاه دمام کشور عربستان سعودی را ترک گفته، دوباره به صف جمعیت پیوسته بود. محترم سید نور الله عماد که از راه ایران به پشاور آمد و تعدادی از برادران با ایشان نیز از نزدیک آشنایی داشتند و مبارزات آقای عماد را در زمان تحصیل در دانشگاه کابل شاهد بودند، موصوف نیز از اولین کسانی بود که برای مدتی کوتاه زندانی گردید و بعد در هرات به شغل معلمی می پرداخت. آقای عماد را شهید استاد ربانی فرد مطمئن برای دارالانشاء یافتند و ایشان به حیث دومین منشی جمعیت اسلامی از سال های ۵۸ – ۶۰ این مسؤولیت عظیم را به عهده داشتند و مدت طولانی این ماموریت به عهدهٔ شان بود تا اینکه در سال ۱۳۷۱ و پس از پیروزی مجاهدین و تشکیل دولت اسلامی، محترم استاد سید عنایت الله شاداب به حیث منشی جمعیت اسلامی تعیین گردید. محترم استاد شاداب، کار تنظیمی و حزبی را بر کار در ادارات دولتی ترجیح داد و شب و روز مشغول خدمت در دارالانشای جمعیت اسلامی بود.... برای بنده، پس از پایان خدمت در قونسلگری افغانستان در مشهد و بازگشت به کابل، رهبر شهید جمعیت چند بار فیصلهٔ خود و همفکران جمعیتی را در مورد سپردن دارالانشاء به بنده یاد آوری فرمودند ولی به نسبت بزرگی و وسعت دامنهٔ کار جمعیت در ولایات مختلف و از جانب دیگر نظر به بیماری از پذیرش این مسؤولیت بزرگ، اجتناب کردم و فقط بازهم به هدایت رهبر جمعیت اسلامی، ماموریت سخنگوی جمعیت را پذیرفتم و از سال ۱۳۸۲ تا اواسط سال ۱۳۸۴ این وظیفه را به دوش داشتم و در نشست های رسانه ای به وظیفهٔ خویش ادامه دادم.

همچنین در دوران ریاست جمهوری شهید استاد ربانی و در دورهٔ مقاومت، یک بار در سال ۱۳۷۸ شمسی نظر به فرمان ریاست جمهوری، با حفظ وظیفه (سکرتر اول در مشهد) به حیث سخنگوی ریاست جمهوری مؤظف گردیدم و مدتی را در شهر تالقان به این ماموریت پرداختم. بعد بنا بر تکلیف بیماری مجبور گردیدم تا دوباره به ایران بر گردم و بعد در سال ۱۳۸۲ با ختم ماموریت به وطن برگشتم و سخنگوی جمعیت اسلامی – طوری که گفته شد- گردیدم. در سال ۱۳۸۴ به حیث مستشار سفارت افغانستان در آسترالیا مقرر شدم و مدت یک سال و نیم خدمت کردم و در آغاز سال ۱۳۸۶ به کابل آمدم و دوباره نظر به هدایت مقام رهبری جمعیت و در پی مشوره با اکثر برادران در کابل، در یک جلسه در منزل رهبر شهید، نامزد ریاست دارالانشای جمعیت اسلام گردیدم. این بار نتوانستم در مورد هدایت رهبر شهید جمعیت، مقاومت نمایم و با وجود بزرگی ساحهٔ کار و عدم توانایی لازم، بنده برای تصدی این ماموریت، سرانجام به هدایت مقام رهبری و نظر مساعد اکثر برادران گردن نهادم و از بهار سال ۱۳۸۶ به حیث رئیس دارالانشای جمعیت اسلامی افغانستان، متصدی این ماموریت گردیدم. جای خوشحالی است که از روز نخست ریاست دارالانشاء تا روز پایان آن سرطان ۱۳۹۲، محترم استاد شاداب به حیث منشی سابق جمعیت اسلامی، همواره در کنار من و هدایات ایشان همواره روشنگر راه من بوده است. محترم استاد شاداب در همه جلسات حضور داشتند و با کمال میل و علاقمندی به امور جمعیت اسلامی می پرداختند...

زمانی که تشکیلات موقت جمعیت اسلامی به تاریخ ۱۰ سرطان ۱۳۹۲ اعلام گردید ریاست دارالانشای جمعیت اسلامی، به محترم استاد واصلنور مهمند سپرده شد. وی از خانوادهٔ بسیار معروف جهادی می باشد، تمام تجارب و اندوخته های کاری خود را در خدمت ایشان و در راه بهبود وضع جمعیت اسلامی تحت رهبری محترم صلاح الدین ربانی، ابراز داشته و ابراز می دارم. تا زمانی که به ماموریت خارجی نرفته ام، در مسایل و اجراات دارالانشای جمعیت اسلامی همکار و مشاور نزدیک استاد مهمند خواهم بود و حتی تلفنی نیز مسایل و تجربه های خود را به ایشان بازگو خواهم نمود. خدا را شکر که کار شورای رهبری جمعیت و دارالانشای آن به وجه خوب و در فضای اخوت و احساس نیک برادری به پیش می رود و امیدواریم که تشکیل بازنگری شدهٔ جمعیت اسلامی، سرمشق خوبی برای احزاب دیگر باشد.

گزینهٔ «صفر»!

وحید مژده

به گزارش ۹ جولای ۲۰۱۳ نیویارک تایمز، مقامات امریکایی روی گزینه ای فکر می کنند که نیروهای نظامی این کشور بصورت کامل از افغانستان خارج شوند و حتی این خروج قبل از معیاد تعیین شدهٔ قبلی باشد. گزینهٔ صفر زمانی در قصر سفید مورد توجه قرار گرفت که روز ۲۷ جون طی یک گفتگوی ویدیوئی میان حامد کرزی و باراک اوباما، جملات تندی میان طرفین رد و بدل شد و سرانجام این گفتگو با تلخی پایان یافت.

گفته می شود که این گفتگو زمانی به تلخی گرائید که اوباما از حامدکرزی خواست تا دست از مخالفت با پروسهٔ صلح در قطر بردارد و در مقابل کرزی امریکا را به حمایت از دشمنان افغانستان متهم کرد.

بنا به این گزارش نیویارک تایمز، گزینهٔ خروج کامل نیروهای نظامی، از قبل در میان سایر گزینه های احتمالی خروج امریکا از افغانستان قرار داشت اما این نخستین بار است که این گزینه مورد ارزیابی جدی قرار می گیرد و دلیل آن اینست که ظاهراً امریکا بیش از این تحمل ناسازگاری های حامدکرزی را ندارد و از این امر مایوس شده است.

این درحالیست که افغانستان پیش از این قرارداد استراتژیک را با امریکا به امضاء رسانیده و بر طبق آن امریکا وعده سپرده بود که دولت افغانستان را در جنگ علیه آنچه که تروریسم نامیده شده بود، تنها نخواهد گذاشت. به همین دلیل امریکا در صدد امضای قرارداد امیتی با افغانستان بود که بر بنیاد آن تعدادی از نیروهای امریکائی بعد از سال ۲۰۱۴ نیز در افغانستان باقی بمانند.

حامدکرزی با امضای قرارداد استراتژیک با امریکا احساس شادمانی می کرد اما در همان موقع هم کسانی که دید دقیق به مسایل داشتند، دل بستن به امضای چنین قراردادی را از جانب یک کشور ضعیف با یک ابرقدرت، فقط یک بازی می دانستند. در همان موقع هم این سوال مطرح شد که اگر امریکا به تعهدات خود در مورد افغانستان عمل نکند، افغانستان چه وسیله ای برای وادار ساختن امریکا به اجرای تعهداتی که در قرارداد استراتژیک پذیرفته است خواهد داشت؟

مواد قرار داد استراتژیک بیشتر شامل تعهدات اخلاقی از جانب امریکا بود که هیچ الزامیتی را برای این کشور در قبال نداشت و اکنون که بقول معروف هنوز امضای پای این قرارداد خشک نشده است، امریکا می گوید که من براه خود خواهم رفت. گوئی که هیچ قراردادی در میان نبوده است.

این تنها امریکا نیست که قرارداد استراتژیک با حامد کرزی را نادیده می گیرد. هندوستان هم اعلام نموده است که کمک های خود به افغانستان را به دلیل فساد اداری در حکومت افغانستان قطع می کند. مقامات هندی پیش از این با اعلام این موضوع که قصد ندارند سلاح جنگی به افغانستان بفروشند، کابل را مأیوس ساختند. با توجه به این حقیقت که هند تصمیم تحریم اسلحه علیه افغانستان را بعد از سفر جان کری به دهلی اعلام داشت، به نظر می رسد که امریکا تصامیم جدیدی در رابطه به افغانستان دارد.

مشاورین حامدکرزی به وی مشوره داده اند که اگر امریکا کمک به افغانستان را قطع نماید، کشورهای بزرگ منطقه مانند روسیه، چین و هند حاضر اند تا این خلا را پر کنند. امریکا تصور می کند که همین طرز فکر موجب شده تا حامدکرزی علیه امریکا موضع تند اتخاذ نماید و به همین دلیل هند را ترغیب نمود تا این امید کابل را به یأس مبدل سازد.

گفته می شود که دلیل اصلی تنش جدید در روابط کرزی با اوباما موضوع دفتر قطر بوده است. در جریان این گفتگو اوباما از کرزی خواسته است تا به مخالفت خود با بازشدن دفتر طالبان در قطر پایان دهد و بگذارد تا مذاکرات صلح آغاز گردد که همین مسئله موجب خشم حامدکرزی گردیده است. زیرا حامدکرزی بازشدن این دفتر زیر نام و بیرق امارت اسلامی را دسیسه ای از جانب دشمنان خوانده بود که می خواستند با برسمیت شناختن حکومت موازی، افغانستان را تجزیه کنند.

بزرگ نمائی شخنان سرتاج عزیر مشاور امنیت ملی دولت پاکستان برای موجه جلوه دادن موضع ضد دفتر طالبان در قطر توسط کابل و استفاده از آن بعنوان مدرکی دال بر دسیسهٔ تجزیهٔ کشور، تلاش دیگر برای موجه جلوه دادن این موضع کابل بود. بنابراین اکنون که کرزی اینقدر در این راه جلو رفته است، تغییر موضع در این مورد برای وی ناممکن خواهد بود.

مقامات طالبان در قطر می گویند که بر بنیاد توافقی که بین ما و امریکائی ها در اسلو پایتخت ناروی، حدود سه ماه قبل صورت گرفت، امریکا پذیرفت که این دفتر زیر نام امارت اسلامی گشایش یابد. اگر امریکا تعهدی با کرزی در مورد نام و بیرق این دفتر داشت ارتباطی با ما ندارد و این مسئله را باید امریکا و کرزی بین خود حل کنند زیرا امریکایی ها در مذاکرات شان با ما، محدودیتی را مشخص نکردند.

به گفتهٔ این منبع، طالبان در مورد مذاکرات صلح صادق بودند اما این دومین بار است که امریکا از موضع خود عقب نشینی می کند و به تعهدات خود با ما پشت پا می زند. این مقام طالب در مورد تهدید جان کری که گفته اگر طالبان به مذاکره حاضر نشوند، امریکا مجبور خواهد بود این دفتر را ببندد گفت که، سیاست مداران امریکایی مردمان دو رو هستند. آنها نزد ما التماس می کنند اما لهجهٔ شان در برابر میدیا طور دیگری است.

این نکته نیز شایان ذکر است که در حکومت افغانستان در طول سال های بعد از ۲۰۰۱ در رفتن بسوی صلح با مخالفین مسلح هیچ برنامهٔ عملی را روی دست نگرفت. یکی از دلایل این بی اعتنائی به امر صلح از جانب حکومت افغانستان را می توان ناشی از تعهدات کشورهای مختلف در کنفرانس های متعدد که امریکا در صدر آن قرار داشت و همه ساله در مورد افغانستان دایر می شد، دانست. در این کنفرانس ها کشورهای شرکت کننده به این مسئله تاکید داشتند که بعد از سال ۲۰۱۴ افغانستان را تنها نخواهند گذاشت. این ذهنیت در ارکان حکومت افغانستان که دنیا با ماست و بنابراین ما در برابر مخالفین مسلح در موضع قوت قرار داریم، موجب اغفال حکومت کابل گردید و باعث شد تا برنامهٔ حکومت افغانستان در صلح با طالبان، از خواست تسلیمی از آنان فرا تر نرود. هرچند در طول سال های بعد از بقدرت رسیدن اوباما در قصر سفید، روابط میان کرزی و امریکا بارها به تنش کشیده شده اما این بار به نظر می رسد که قضیه بسیار جدی تر است. یک احتمال اینست که امریکا تصمیم گرفته تا حامد کرزی را از موضعی که خود می خواهد بعنوان یک رئیس جمهور مستقل شناخته شود، پائین آورد تا خواست های امریکا را از قرارداد امنیتی گرفته تا قبول دفتر سیاسی امارت اسلامی در قطر بپذیرد.

امکان دوم اینست که امریکا خواهان فرار آبرومندانه از افغانستان است. در این میان ناسازگاری های کرزی بهانه ای بیش نیست. امریکا قبلاً از عراق نیز با همین ترفند نیروهای خود را خارج ساخت و دلیل خروج را تصمیم پارلمان عراق قلمداد نمود. اینکه کرزی برای قصر سفید بهانه است یا مشکل، در چند روز آینده مشخص خواهد شد.

«آبشخور بحران کنونی مصر»

ادامه از صفحهٔ اول

کشورهای اسلامی و جهان اسلام آماج تهاجم فرهنگی و سیاسی جریان جهانی شدن در سال های پایانی قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم قرار گرفت و ارزش های اسلامی در حیات سیاسی و اجتماعی مسلمانان را به چالش کشانید.

آری! این همه تهاجمات فرهنگی سیاسی و سپس اقتصادی در جهان اسلامی در بستر دو نظریه بال و پر کشیدند که توسط دوتن از نظریه پردازان اواخر قرن بیستم به نام های « فوکویاما» و « هانتنگتون» طراحی شده بودند.

« فوکویاما» در کتاب خود به نام « پایان تاریخ و آخرین انسان» به صراحت می گوید: آخیرالزمان فرار سیده و ارزش های لیبرال دموکراسی به بهترین وجه نیاز های انسان را تأمین می کند. «هانتنگتون» در کتاب «برخورد تمدن ها» می گوید: «لیبرال دموکراسی، برای رسیدن به جایگاه خود باید بر دشمن دیگری پس از کمونیزم تفوق حاصل کند که این دشمن همان ائتلاف بین اسلام و کنفوسیوسیزم می باشد. این دشمن نو پیدا از ائتلاف اسلام و کنفوسیوسیزم که به پندار او یگانه تهدید در برابر نظم مطلوب لیبرال دموکراسی به شمار می رود، نظام های سیاسی بنیادگرایی هستند که عموماً متعلق به جهان اسلام هستند و آیندهٔ نظم جهان در گرو سرکوب نمودن این کانون هاست" او در مجلهٔ سیاست خارجی امریکا التزام به ارزش های لیبرال دموکراسی را رسالت دولتمردان امریکا دانسته و می گوید، اگر این کار را نکنند، در گورستان تاریخ مدفون خواهد شد."

با ذکر نکات یاد شده و در روشنایی آن ها می توان خوبتر به پاسخ این پرسش که "بحران مصر از کجا آب می خورد" پرداخت. اخوان المسلمین که به حیث یک سازمان مادر برای همه جنبش های اسلامی معاصر در خاورمیانه و آسیا و افریقا به شمار می رود و تغذیهٔ فکری بهار عربی را در واقعیت امر می توان به نظریات وتراوش های فکری این سازمان اسلامی در جهان اسلام، گره زد که با تحمل همه شکنجهٔ و رفتن به سلول های زندان های فراعنهٔ معاصر مصر، از ملک فاروق گرفته تا جنرال نجیب، جمال عبدالناصر، سادات و مبارک، وارد بهار عربی شدند و به حیث یک طرف قوی و سازمان یافته در بازی قدرت شامل گردید و با استفاده از قواعد بازی های معاصر قدرت، توفیق یافت که قدرت سیاسی را بدست گیرد و به گونهٔ این بازی انجام پذیرفت که همه موافقان و مخالفان نتیجهٔ آن را بدون هرگونه تردید و شبه قبول کردند و دکتور محمد مرسی به حیث رئیس جمهور منتخب مصر برگزیده شد. انتخابات پارلمانی و رفراندوم در بارهٔ قانون اساسی مصر انجام یافت و به این ترتیب در تاریخ سیاسی مصر در درازای تاریخ این کشور نهاد های مشروع پا به صحنه گذاشتند که ارادهٔ مردم در همهٔ آن ها بازتاب یافته است.

همه این موفقیت هایی که از طریق یک جریان اسلامی در زندگی سیاسی مصر بوقوع پیوست، کشورهای پیرامونی استبدادی عربی و علمبرداران جریان جهانی سازی فرهنگ و سیاست لیبرال دموکراسی را بر آن واداشت که به بحران آفرینی دست یازند، میدان تحریر که در سپیده دم بهار عربی به حیث نمادی از تجسم ارادهٔ مردم مصر جلوه گری داشت، در پی این دغدغه ها، به مرکز تجمع احزاب مخالف اخوان وسکولرها منجمله حزب وطن یا حزب مبارک و هواداران آن و چهره های پرورده خوان نعمت حسن مبارک و تنظیم نوین جهانی و گروه های مختلف دیگری که هدف همهٔ آن ها را تنها سرنگون سازی یک نظام منتخب اسلامی با اسلوب انتخابی پذیرفته شده در سطح جهان بود و لا غیر.

عمر موسی کی است و برادعی چگونه چهره ای است؟

عمر موسی کسی که عمری را در پست های بالایی چون ریاست اتحادیهٔ کشورهای عربی سپری کرده و چون بردهٔ گوش به فرمان نظام مبارک کار می کرد و حرفی هم از مظالم آن نظام به زبان نمی آورد، همین گونه برادعی هم که در مقام رئیس کمیتهٔ نظارت از برنامه های هسته ای کشورهای مخالف امریکا چون ایران و کوریای شمالی و... کار می کرد، زمانی از او شنیده نشده است که حرفی از زبان او بر ضد نظام مبارک در مطبوعات مصر و جهان انعکاس یافته باشد.

اما این چهره ها همه در برابر نظام منتخب مصر در میدان تحریر که بهتر است حالا آن را به میدان تجسم ارادهٔ نظم نوین جهانی، ارادهٔ نظام های استبدادی عرب در شکل امارت ها و به نام جمهوری های چون سوریه و... نامگذاری کرد، صف آرایی می کنند و با استفاده از آزادی های نظام منتخب بر ضد نظام شعار می دهند به فراخوان گفتگو از طرف نظام منتخب پاسخ رد می دهند، دفتر های اخوان و حزب حریت و عدالت را آماج حملات قرار داده، آتش می زنند و به کشتار جوانان منسوب به اخوان می پردازند و... و خواهان مداخلهٔ ارتش می شوند و در نهایت کودتا بر ضد نظام منتخب استقبال کرده و برای آن پای کوبی می کنند. کشور های عربی به گونهٔ عام همه به کودتا و کودتاگران تبریک می گویند و امریکا از گرفتن نام کودتا بر ضد نظام منتخب خودداری می کند و در نهایت تجمعات میلیونی مدافعان نظام منتخب به رگبار گلوله بسته شده، سران اخوان به زندان انداخته می شوند و رئیس جمهور منتخب محبوس می شود. رادیو و تلویزیون اخوان المسلمین بسته می شوند، دفتر های اخوان در قطر بسته شده و شیخ قرضاوی از قطر اخراج و به مصر برده می شود. نظام منتخبی که رئیس آن به جرئت می گوید، ما در جریان کارهای خود همان گونه که کارهای صوابی را انجام دادیم، مرتکب خطا های شده ایم و کوشش می کنیم آن ها را تصحیح کنیم. با وصف همه این گذشت ها، گماشته های داخلی و خارجی در یک صف قرار گرفته و چهره های مخلوع نظام مبارک از طریق تانک ها بعث بعدالموت می شوند. جاگزین نظام مشروع و رئیس منتخب آن و قانون اساسی مصوب از طریق رفراندوم ملغی می شود و قانون دکتاتور مآبانه از طریق رئیس جمهور کودتایی اعلان گردیده و سکولرهای شکست خورده در انتخابات، از طریق تانک وارد صحنه می شوند. و این است تجسم واقعی توصیهٔ سرکوب کانون های بحران – البته به تعبیر هانتنگتون- خیلی ها شگفت آور است که داکتر بدیع به اتهام تشویق مردم به قیام ضد کودتا و دفاع از نظام منتخب و رئیس جمهور منتخب محکوم به زندان می شود و عمر موسی و برادعی در اثر تحریک مردم به غوغا آفرینی بر ضد نظام منتخب بر سرنوشت ملت حکومت می کنند

و همین است تایید سیاست یک بام و دو هوا که از طرف سردمداران نظم نوین جهانی مورد پشتیبانی قرار می گیرد.نتیجه هم این که پیامد بحران بعدی را باید سردمداران این نظم نوین پاسخ گویند.

د مرسي د اسلامپال او ولسواک حکومت په ړنګولو کې چا لاس درلود؟

شفیق

دوه کلونه وړاندې چې کله مصري ولس په خپل هیواد کې له دیرشو کلونو راهیسې د حسني مبارک د نامبارکه دیکتاتور رژیم څخه د خلاصون لپاره ولسي پاڅون پیل کړ او د پرزولو په پایله کې یې واک لاسته راوړې نظامي شورا دې ته اړ کړه چې ټاکنو ته تن کیږدې نو کال وړاندې ټاکنې ترسره شوې او د الاخوان المسلمون (اویا کلونه مبارزه کوونکې) اسلامپال ګوند د ولسواکۍ له لیارې د لویدیځ پوزه په خاوره کولو سره واک ته ورسیده او په مصري ولس باندې د خپسې په څیر د (نا) مبارک مسلط رژیم د استبداد دوره پای ته ورسیده. مرسي مصري ولس ته بشپړه ازادي ورکړه او د مصر په ورستي تاریخ کې د جمال عبدالناصر، انورسادات او وروستي واکمن (نا) مبارک اوږده د استبداد واکمني پای ته ورسیده.

خو د لویدیځ لاسپوڅو سیکولرو لکه البرادعي، عمرو موسی او احمد شفیق او د جمال ناصر وارث دکتور حمدین کله زغملی شوه چې اویا کلونه په زندانونو کې پراته اخوانیان دې د واک څښتنان اوسي نو څکه یې د لویدیځو سفارتونو سره پټې اړیکې او د الاخوان المسلمون د ګوند پراخې سینې لرلو سیاست (چې په ټوله کابینه کې یې څلور وزیران بدل کړي وو او د بیان او سیاست په ډګر کې یې تر وروستي بریده ازادي ورکړې وه) ددې لامل شوه چې لنډۍ صفته مارانو د تا دولتي مؤسسو له لیارې د لویدیځ او د حرمینو د خادم(؟) سعودي عربستان د هغې واکمنې کورنۍ مالي ملاتړ، د مرسي رژیم پر خلاف پراخه پروپاګند باندې ولګوي چې لا نیکونو یې د شلمې پیړۍ په پیل کې داسلامي خلافت پر خلاف د نشنلزم بُت خپل کړی وو او د ترکیې وروستي عثماني اسلامي خلافت د پرزولو په توطیه کې د هغه وخت د ښکیلاکګر ځواک انګلیس په اشاره له استانبې څخه د حرمینو څمکو ته داسلامي قیادت راوړلو داعیه خپروله.

نو هماغه وو چې څو ځلې د سیکولرو او منافقو سیاستوالو له لورې د مرسي حکومت پر خلاف وخت پر وخت مظاهرې او لاریونونه ترتیب شول او د یو کال په موده کې یې د لویدیځو رسنیو په مټ د مرسي هغه رژیم د ولس له ملاتړ څخه نړیوالو ته محروم وروپیژنده چې د ولسواکۍ په تاریخ کې په یو کال کې ورته دوه ځلې خپل ولس اعتماد وربخښلی وو؛ چې لومړی د ولسمشرۍ د ټاکنو پایله وه او دوهم ځل بیا د ټولپوښتنې له لیارې ولس پرې نږدې اویا سلنه باور ښودلی وو.

اوس راځې چې د لویدیځ د ولسواکۍ شعار ته وګورو چې په ټوله نړۍ کې یې زمزمه کوي او ډیر ولسونه پدې وسله ماتوي؛ چې کله یو هیواد پدې تورنوي چې حکومت یې د ولسواکۍ له لیارې ندی راغلی او کله یې د بشر له حقونو څخه په سرغړاوي تورنوي؛ د دیکتاتور پرویز مشرف چا حمایت کاوه؟ د سعودي او نورو عربي خاورو واکمن دیکتاتور رژیمونه څوک په شا ټپوي او څوک د ایران ولسواکه رژیم ګواښوي او د اسلامپال هویت پر خلاف یې په میلیاردونو پانګونه کوي، په ۱۹۹۲ میلادي کال کې په الجزایر کې د الجزایر د قومي اسلامي جبهې حکومت چې یو نوي سلنه رایې یې خپلې کړې وې، شاذلي بن جدید د چا په ملاتړ له مینځه یووړ؛ په ترکیه کې د ولسواکۍ له لیارې راغلي د عدالت او ترقۍ ګوند حکومت څوک ګواښوي؟ نږدې لس کلونه وړاندې په فلسطین کې د حماس ګوند حکومت چې په ټول فلسطین حاکم وو، چا یوازې د غزې او اریحا تر ترانګې محدود کړ او د اسماعیل هنیه پر خلاف یې محمود عباس پاللو؟؛ د سوډان منتخب ولسمشر(عمر بشیر) څوک د بشر د حقونو څخه په سرغړاوي تورنوي او په جنوبي سوډان کې عیسایې لړکیو ته چا د نیم سوډان حکومت وربخښلو توان ورکړ. او دا چې عمر بشیر جنګي مجرم دی، د عبدالفتاح السیسي جرم ستر دی او که د عمر بشیر(؟)؛ چې السیسي په کال کې دننه دوه ځله د ولسي ملاتړ لاسته راوړونکی حکومت واک په نظامي کودتا له مینځه وړي او د مرسي د پلویانو په مظاهرو د سهار په لمانځه وخت کې ډزې کوي چې په یوه ورځ پکې یو پنځوس تنه شهیدانوي او له پنځه سوو څخه زیات انسانان ټپیان کیږي.

لویدیځو رسنیو لږ خپل ضمیر ته وګورئ! د څلورو میاشتو توطیو او دسیسو په پایله کې د هغو مظاهرو کوریج او خپرول خو دوه ملیوني او درې میلیوني ته رسوئ چې پکې د نورو هیوادونو څخه لویدیځپاله ښځې او سړي راوړل شوي وو او د شپږ سوه وو په شمیر کې ښځو باندې پکې جنسي تیرې وشو، ولې ورځخه پرده نه پورته کوي خو چې په افغانستان کې د بې هدفو او بربنډوالي ته دعوت کوونکو رسنیو په پایله کې کومه یوه پیښه د جنسي تیرې رامینځته شي نو بیا یې څو ځلې خپروئ.

خپل ضمیر ته وګورئ! همدا اوس چې د مرسي رژیم له ړنګولو وروسته یوازې د الاخوان المسلمون د ګوند پلویانو مظاهرې له څلورو میلیونو واوښتې څومره کوریج مو ورکړ؟! هغه مسلمانان دي هم په خپلو ګریوانونو کې سرونه ښکته کړي چې د لویدیځو رسنیو لپاره کار کوي چې توپیر د مظاهرو د شمیر، کیفیت او ادابو په مراعاتولو کې څومره دی؟؛ هغوی چې د الاخوان المسلمون ګوند دفتر لوټوي او وسایل یې لاندې سرکونو ته راغورځوي، د بشر د حقونو مستحقین دي چې بایداواز یې واوریدل شي او د هغوی چې د هیڅ ډول تشدد غږ نه کوي او وایې په مسالمت امیزه توګه به مظاهرې کوو نو حکومتي پوځي موټرې او ټانکونه پرې ګولۍ وروي!! او بیا دا هم وایې چې که د(اداوارد سنودن) کرنه خیانت ګڼئ نو په مصر کې د غلا او تورې دروازې له لیارې د واکمن رژیم حقیقت پټونه چې د څلورو میلیونو مظاهره چیانو هویت داغمنوي، څومره مو ورځخه پرده پورته کړې؟ چې د



کال مخکې مظاهرو فلمونه اوس د اخوانیانو د تورنولو او د هغوی د قیادتونو د نیولو لپاره دپلمې په توګه له دولتي تلویزیون څخه خپروي او وایې: اخوانیان په مصري اردو تیګی وروي یا ډزې کوي، (السیسي) او د هغه منافق مصریان پدې کار سره د مصر د ولس ذهنونه بدلول غواړي؛ پداسې حال کې چې د دنیا په ګوټ ګوټ کې هر مسلمان د اوسنیو مظاهرو او کال مخکې مظاهرو توپیر سره کولای شي چې پکې د نا مبارکه رژیم امنیتي ارګانونو زر تنه شهیدان کړي وو نو هغه مهال د همداسې تجاوب غوښتنه کیده.

په مصر کې د مرسي رژیم د یوې پوځي کودتا په وسیله د ړنګیدو په هکله د لویدیځې نړۍ د مشرانو او په ځانګړې توګه د امریکا ولسمشر(اوباما) بیان خو د نوموړي ددغې پالیسۍ سره اړخ نه لګوي چې له سفارت څخه یې د خپلو کسانو د ویستلو حکم وکړ، دا د څه غمازي کوي؟ چې چا هوډه نه وي خوړلې بوې ترې نه ځي!!

د حرمینو خادمانو(؟) واکمنانو او ورسره ملوسلفیانو! مرسي خو واک ته له رسیدلو سره سم لومړی سفر سعودي ته کړی وو، تاسو یې دومره استقبال کړی وو لکه چې د حکومت په پرزولو یې تاسو خوښې وښوده او د هغه له اسلامپال رژیم سره مو د یو کال په موده کې پنځه میلیارده مرسته کړې وه چې ستاسو په مرسته د امریکا له کلابندۍ څخه خلاص شوی وای؟ او که دغه لوریدنه مو د پیغمبر صلی الله علیه وسلم د خاورې د وارثینو په توګه، د هغه رژیم د پرزونکي دیکتاتور(السیسي) سره ورکړه چې د اسلامي شریعت د مخنیوی لپاره یې دا هرڅه وکړل او تاسو او متحده عربي امارات ورته ۳+۵ میلیارده ډالر په لومړي ځل ورکړل، څه فکر کوئ؟ چې د نړۍ ټول مسلمانان به ستاسو په څیر لید لري؟اوس به د نړۍ مسلمانان پدې فکر کوي چې ایا د حرمینو د خاورې د واکمنۍ حق تاسو لرئ او کنه؟!

که حزب الله او ایرانیانو په سوریه کې د بعثي رژیم په ملاتړ سره په مسلمانو ولسونو کې خپل محبوبیت له لاسه ورکړ نو سعودي واکمنانو! تاسو هم ځانونه ددې جوګه کړل چې اوس اسلامي امت داسې محاسبه وکړي چې ښایې د سعودي د خاورې په هکله د ابراهیم علیه السلام د دعا په مصداق او معنا کې فکر وشي.

انتظار مردم از کمیته های مشترک شورای ملی برای تصویب قوانین جنجالی

نذرالله عنایت

طی روزهای اخیر کمیسیون مشترک مجلس نمایندگان و مجلس سنا برای بحث روی مواد اختلافی قانون انتخابات تشکیل شده است. قانون انتخابات به تاریخ اول جوزا از سوی مجلس نمایندگان تصویب شُد، اما نمایندگان سنا با شماری از مواد آن موافقت نکرده و آن را تصویب نکردند. بربنیاد این اختلاف و به منظور یافتن راه حل این کمیسیون تشکیل شده است. اما آنچه را که مجلس سنا در پی آن شده و نه خواسته این قانون به تصویب برسد قابل مکث و پرسش است.

هرچند قانون اساسی افغانستان در همچو حالات اجازه می دهدکه کمیسیون مشترکی برای تصویب ایجاد شود، اما نگاه منطقی نشان می دهد که آنچه را که مجلس سنا در پی آن شده است، چندان محلی اعراب برای به تأخیر افتادن تصویب قانون انتخابات نداشته است.

در همین حال بر بنیاد مادهٔ صدم قانون اساسی کشور اگر کمیسیون مشترک شورای ملی مؤفق به تصویب لایحه نه شود، لایحهٔ قانون بار دیگر به مجلس نمایندگان فرستاده می‌شود و در صورت تصویب دو ثلث کل اعضا، بدون تصویب مجلس سنا، برای توشیح به ریاست جمهوری خواهد رفت.

طرح قانون انتخابات، پس از ماه ها بحث با رد چند مورد پیشنهادی حکومت و افزایش چند مادهٔ جدید توسط مجلس نمایندگان تصویب شده بود.

مجلس، شماری از مواد پیشنهادی حکومت و از جمله شرایط نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری، پارلمان و شوراهای ولایتی را از طرح حکومت حذف کرده بود. یکی از این مواد برای نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری دو زبانه بودن آنها را الزامی کرده بود. مورد دیگری که بحث‌های بیشتری را به دنبال داشت، محدود کردن حوزه‌های انتخاباتی برای انتخابات پارلمانی بود. این موضوع هم در طرح حکومت پیشنهاد شده بود، اما مجلس آن را رد کرد.

یکی از موارد جنجالی دیگر تعیین حوزهٔ انتخاباتی برای کوچی‌ها بود که جنجال‌ها در این مورد، بررسی قانون انتخابات را زمستان سال گذشته از دستور کار مجلس خارج کرد.

یک مورد دیگرهم که از سوی احزاب سیاسی پیشنهاد شده بود، اختصاص دادن شماری از کرسی‌های مجلس به احزاب بود. برخی پیشنهاد کرده بودند که نیمی از کرسی‌ها و برخی هم گفته بودند سی درصد آنها به احزاب اختصاص داده شود، اما این پیشنهاد در مجلس تایید نشد.

تلاش برای تصویب قانون انتخابات در حالی صورت می‌گیرد که کار تصویب قانون تشکیل و اختیارات کمیسیون مستقل انتخابات نیز به درازا کشیده شده است.

این قانون زمانی که برای توشیح به ریاست جمهوری فرستاده شده بود، رد شد و دوباره به مجلس نمایندگان فرستاده شد.

مجلس نمایندگان به تاریخ ۲۰ جوزا لایحهٔ قانون تشکیل و اختیارات کمیسیون مستقل انتخابات را با قبول بعضی تعدیلات ریاست جمهوری دوباره تصویب کرد و به مجلس سنا فرستاد.

برای تصویب این قانون نیز کمیسیون مشترکی از دو مجلس ایجاد شد که بحث روی مواد اختلافی آن را پیش می برند. و تا هنوز کدام تصمیم مشترک گرفته نشده است.

تصویب قوانین انتخاباتی در حالی طولانی می‌شود که احزاب سیاسی و نهادهای مدنی تصویب هرچه زودتر آن را برای برگزاری یک انتخابات شفاف لازمی می‌خوانند و چشم امید به آن دوخته اند.

از سوی دیگر کمیسیون مستقل انتخابات نیز هشدار داده که این قوانین باید هر چه زودتر پیش از آغاز رخصتی‌های شورای ملی تصویب شوند. ورنه انتخابات سال آینده بر اساس فرامین تقنینی رئیس جمهور مانند انتخابات های گذشته برگزار خواهد شد.

رخصتی های اعضای شورای ملی باید از ۱۵ سرطان آغاز می شد، اما هردو اتاق شورای ملی این تعطیلی ها را به خاطر تصویب قوانین انتخاباتی به تعویق انداختند. قرار است انتخابات ریاست جمهوری کشور در ۱۵ ماه حمل ۱۳۹۳ تا ۹ ماه دیگر برگزار شود.

دولت قطر و دفتر طالبان!

◇ **اندیشمند**



قطر که پایگاه فرماندهی مرکزی ایالات متحدهٔ امریکا برای بیست و پنج کشور خاورمیانه، جنوب شرق و مرکز آسیا و شمال افریقا است، دولت افغانستان را که در چتر حمایت نظامی و مالی ایالات متحده و کشورهای غربی قرار دارد، برسمیت می شناسد. اما علی رغم آن معاون وزیر خارجهٔ این کشور دفتر طالبان را در واقع بصورت رسمی و تشریفاتی افتتاح (۲۸جوزای ۱۳۹۲برابربه ۱۸جون۲۰۱۳) کرد؛ طالبانی که با دولت های افغانستان، امریکا و کشورهای غربی می جنگند و از سوی این کشورها گروه افراطی و تروریستی شناخته می شوند.

حرکت غیر دیپلوماتیک:

افتتاح دفتر طالبان در یک کنفرانس مشترک خبری با معاون وزیر خارجه طالبان و سپس افراشتن پرچم پیشین حکومت طالبی به نام امارت اسلامی افغانستان توسط هیئت طالبان یک حرکت غیر دیپلوماتیک و حتی غیر اخلاقی و قلدر منشانه یک دولت کوچک عربی را به نمایش گذاشت. در حالی که تشکیل دفتر طالبان در دوحه پایتخت قطر به عنوان آدرس مشخص این گروه جنگجو جهت مذاکره برای صلح افغانستان عنوان می شد، اما نحوهٔ تشکیل دفتر مذکور با حضور و استقبال دومین مقام وزارت خارجهٔ قطر چیزی بسیار فراتر از دفتر گفتگو برای صلح بود. نمایندگان طالبان نیز بلا فاصله و بدون هیچ پرده پوشی و ابهام حتی در حضور معین وزیر خارجه دولت قطر دفتر خود را در این کشور محل تماس و رابطه با جهان بیرون خواندند و به جای سخن از صلح به تدوام جنگ تا آزادی افغانستان از اشغال خارجی تأکید کردند. نکتهٔ قابل پرسش و بحث در این رویداد، تناقض نهفته میان دفتر مذاکره برای صلح و دفتر تبلیغ برای جنگ طالبان و نقش امارت عربی قطر و عرب های همسو با دیپلوماسی آن دولت است.

لقمه های بزرگتر از دهن:

قطر یک کشور بسار کوچک و اما ثروتمند عربی نفت خیز در کنار سایر دولت های ثروتمند عربی خلیج فارس است که دیپلوماسی فعال و مداخله جویانهٔ او در منطقه و بیرون از آن در همسویی با عربستان سعودی، قدرت منطقه ای اعراب این حوزه صورت می گیرد. این همسویی و همراهی با ایالات متحدهٔ امریکا به عنوان بزرگترین قدرت بین المللی در سایهٔ ثروت هنگفت باد آورده از نفت، قطر کوچک را وسوسه می کند تا فراتر از جایگاه و ظرفیتش دست به سیاست های کلان بزند و لقمه های بزرگتر از دهنش بردارد. هرچند که سیاست های کلان قطر در سطح منطقه ای و بین المللی در واقع سیاست های دو هم پیمان متنفذ و تأثیرگذار (عربستان سعودی و ایالات متحدهٔ امریکا) را منعکس می سازد. تشکیل دفتر طالبان و سیاست دولت قطر بر سر این دفتر نمی تواند در ورای سیاست های عربستان سعودی و ایالات متحدهٔ امریکا، بازتاب دهندهٔ خودسری و استقلال این شیخ نشین کوچک عربی از آنها باشد. قطر اندکی پس از افتتاح دفتر طالبان عدم این خودسری و استقلال را به نمایش گذاشت و مطابق تمایل جان کری وزیر خارجه ایالات متحدهٔ امریکا طالبان را به برداشتن لوحهٔ امارت اسلامی شان از سر دروازهٔ نمایندگی و فرود پرچم امارت طالبی واداشت.

انگیزه و اهدف:

اگر انگیزه و اهداف قطر در همسویی با عربستان سعودی بر سر نقش آن در بحران افغانستان به عنوان میانجی و محل مذاکرهٔ طالبان با واشنگتن و کابل مورد توجه و ارزیابی قرار بگیرد، قطر و متحدان عربش بدنبال چه اهدافی خواهندبود؟ آیا قطر و عرب های ثروتمند منطقه برای خدا و در جهت ادای رسالت اسلامی شان در صدد آن شده اند تا افغانستان را به عنوان یک کشور اسلامی از بحران جنگ و بی ثباتی نجات دهند؟

افغانستان بمثابهٔ یک کشور اسلامی فقیر و عقب مانده بیش از سی سال است که در آتش جنگ می سوزد و در فقر و ویرانی دست و پا می زند. اما برادران مسلمان و ثروتمند عرب هیچگاه دست برادری و اسلامی خود را برای باز سازی ویرانی های این کشور دراز نکرده اند. هیچ جاده و فابریکه و هیچ دانشگاه و مؤسسهٔ علمی و تحصیلی از پول های هنگفت نفت این برادران نفت دار عرب در کشور فقیر و ویران ما اعمار نشد. در حالی که جوامع عرب ثروتمند نفتی، تمویل کنندهٔ بخش بزرگ هزینه های ماشین جنگی طالبان چه در گذشته و چه پس از فروپاشی امارت طالبی محسوب می شوند. افراد و حلقه های مختلف این کشورها از این زاویه، عقب گاه استراتژیک طالبان، القاعده و تمام گروه های تکفیرگرا و ستیزه جوی انتحاری افغانستان و پاکستان هستند. امیران و شیخ های حاکم این کشورها چشم خود را بروی فراهم آوری تسهیلات و امکانات پشت جبههٔ طالبان و گروه های ستیزه جوی تکفیرگرا می بندند و یا در واقع بصورت پوشیده و مرموز با آن همسویی نشان می دهند. در پشت پرده های این سکوت و همسویی چه انگیزه و اهدافی نهفته است؟

ریاکاری و تناقض:

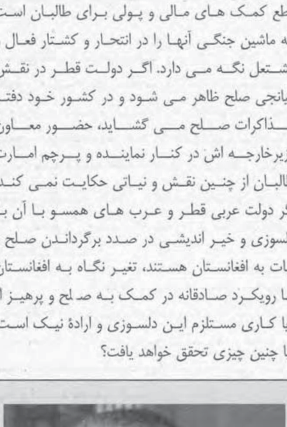
نکتهٔ شگفت آور و پرسش برانگیز این است که تلویزیون قطری الجزیره با زنان نیمه عریان گوینده و مجری برنامه های تلویزیونی از جنگ و مقاومت طالبان در افغانستان سخن می گویند و به نحوی جنگ علیه خارجی ها را از سوی طالبان مشروعیت دینی می دهند. تبلیغات این تلویزیون با انتشار اظهارات طالبان و گزارش های خبری از آنها، افغانستان را کشور اشغال شده معرفی می کند و ضرورت خروج نیروهای خارجی را از زبان طالبان و تحلیلگران همسو با آنها برجسته می سازد و حضور نیروهای خارجی و احراز پایگاه آنها را در واقع حرام و نامشروع تبلیغ و تلقی می کند. این در حالی است که امریکایی ها در تمام این کشور های مسلمان عرب نفت خیز به شمول عربستان سعودی، سرزمین ظهور اسلام و سرزمین وحی الهی، نیروی نظامی و پایگاه دارند.

آیا نیروی نظامی و پایگاه امریکایی در کشورهای عربی حلال است و در افغانستان حرام؟ آیا انفجار و انتحار توسط طالبان و عرب بچه های القاعده در افغانستان مشروع است، اما در دوحه، دوبی، عمان و ظهران نامشروع؟ اگر امریکا و غرب در بسیاری از کشورهای عربی و اسلامی نیرو و پایگاه دارند، چرا افغانستان تنها دارالحرب انتحار و انفجار است؟

دلسوزی و خیراندیشی:

اگر قطر و دولت های عرب نفت دار در صدد ایجاد صلح و ثبات افغانستان باشند، نخستین گام، قطع کمک های مالی و پولی برای طالبان است که ماشین جنگی آنها را در انتحار و کشتار فعال و مشتعل نگه می دارد. اگر دولت قطر در نقش میانجی صلح ظاهر می شود و در کشور خود دفتر مذاکرات صلح می گشاید، حضور معاون وزیرخارجه اش در کنار نماینده و پرچم امارت طالبان از چنین نقش و نیاتی حکایت نمی کند. اگر دولت عربی قطر و عرب های همسو با آن با دلسوزی و خیر اندیشی در صدد برگرداندن صلح و ثبات به افغانستان هستند، تغیر نگاه به افغانستان با رویکرد صادقانه در کمک به صلح و پرهیز از ریا کاری مستلزم این دلسوزی و ارادهٔ نیک است. آیا چنین چیزی تحقق خواهد یافت؟

تقدیر از رئیس ماین پاکی افغانستان، در اروپا



کفایت الله ابلاغ مؤسس و بیانگذار مؤسسات ماین پاکی در افغانستان و در جهان می باشند با فعالیت های بشر دوستانه و خیرخواهانه اش توانسته اند بیش از سه میلیون حلقه ماین منفجر نیافته - این دشمن پنهان بشریت - را در افغانستان از بین ببرد.

مؤسسهٔ (ای تی سی) با ۲۴ سال سابقه، اولین مؤسسهٔ ماین پاکی است که تحت رهبری کفایت الله ابلاغ توانسته در ۳۱ ولایت کشور در امحای ماین بپردازد و برخی را در این عرصه آموزش دهد. این مؤسسه در کشور عراق و برخی از ممالک افریقایی نیز در عرصهٔ ماین پاکی خدماتی را انجام داده است.

به پاس خدمات انسان دوستانهٔ این مؤسسه و رئیس آن — کفایت الله ابلاغ - اخیراً فدراسیون محصلین افغان در اروپا و محصلین افغان در پوهنتون بین المللی نایمیخن هالند بطور غیابی با اهدای تقدیرنامه، موصوف را مورد ستایش و تحسین قرار داده اند که این سپاس گزاری نه تنها برای کفایت الله ابلاغ بلکه، برای همه مردم افغانستان یک افتخار به حساب می آید.

گفته می شود، آقای ابلاغ چندین مدال و صدها تقدیرنامه و ستایش نامه را از مؤسسات مختلف بین المللی بدست آورده است که اخیراً ملل متحد لقب پدر ماین پاکی در جهان را به وی داده است.

«مجاهد» نیز این موفقیت را در امحای ماین های کِشت شده در افغانستان برای آقای ابلاغ مبارکباد می گوید. آرزومندی براین است تا هرچه زودتر کشور و مردم ما که از جنگ و نا امنی به ستوه آمده اند، شاهد تحکیم پایه های صلح و ثبات و رفاه و آرامش باشند و همچنان این دشمن غیر مرئی (ماین) به طور کلی از سراسر کشورما برچیده شود تا دیگر از مردم ما قربانی نگیرد و صدای انفجار مدهش ماین و شلیک اسلحهٔ ثقیل و خفیف، خاطر مردم ما را نیازارد.

اقسام روزه

فرض

روزه فـــرض در تمـــام ســـال فقـــط روزه گـــرفتن مـــاه مبارک رمضان بر مسلمانان فرض است.

واجب

روزه یی است کـه نذر شـده باشـد و روزهٔ کفـاره واجـب اسـت. اگـر شخصـی روزهٔ روز معیینـی را نـذر کـرده باشـد، روزه گـرفتن همـان روز ضـرور مـی باشـد. امـا اگـر روزه را معـین نکـرده بـود هـر وقـت کـه بخواهد می تواند روزه بگیرد اما تاخیر آن بدون دلیل لازم نیست.

سنت

روزه هایی است کـه پیـامبر اسـلام گرفتـه باشـد و مسـلمانان را بـه گرفتن آن تر غیب نموده باشد.

از جملـه:- روزهٔ روز نهـم و دهـم محـرم بطـور مسلسـل – روزهٔ روز عرفـه یعنـی نهـم ذوالحجـه الحـرام – روزهٔ روز بـیض: یعنـی روزه گرفتن در روزهای (۱۳، ۱۴، و ۱۵) هر ماه.

نفل

روزهٔ نفلـی، روزهٔ غیـر از روزه هـای فـرض، واجـب و مسـنون، را روزهٔ نفلی مـی گوینـد کـه روزه گـرفتن در آن مسـتحب اسـت از جملـه: (شـش روز روزه گـرفتن در مـاه شـوال المکـرم، روزه گـرفتن روزهـای دوشـــنبه و پنجشـــنبه، روزه گـــرفتن هشـــت روز در دهـــهٔ اول ذو الحجه)

رسول خدا صـلی الله علیـه و آلـه وسـلم در خطبـهٔ شـعبانیهٔ خـود در بارهٔ فضـیلت و عظمـت مـاه رمضـان فرمـوده اسـت: «ای بنـدگان خـدا! ماه خدا با برکت و رحمـت و آمـرزش بـه سـوی شـما روی آورده اسـت؛ ماهی که نزد خداوند بهتـرین مـاه هـا اسـت؛ روزهـایش بهتـرین روزهـا، شب‌هایش بهترین شب ها و ساعات ا ش بهترین ساعات است.

بر مهمانی خداوند فـرا خوانـده شـدید و از جملـه اهـل کرامـت قـرار گرفتید. در این ماه، نفس‌های شـما تسـبیح، خـواب شـما عبـادت، عمـل های تان مقبول و دعاهای تان مستجاب است.

پـس بـا نیـت درسـت و دلـی پـاکیزه، پروردگـار تـان را بخوانیـد تـا شما را برای روزه داشـتن و تـلاوت قـرآن توفیـق دهـد. بـدبخت کسـی اسـت کـه از لطـف خـدا (ج) در ایـن مـاه عظـیم محـروم گـردد. بـا گرسـنگی و تشـنگی در ایـن مـاه، بـه یـاد گرسـنگی و تشـنگی قیامـت باشید.

آن گـاه پیـامبر اکـرم وظیفـهٔ روزه داران را چنـین برشـمرد: و از صدقه بر فقیران، احترام بـه سـالخورده گـان، تـرحم بـه کودکـان، صـلهٔ رحم، حفظ زبـان و چشـم و گـوش از حـرام، مهربـانی بـه یتیمـان و نیـز عبادت، تسبیح، تـراویح، سـجده هـای طـولانی، نمازهـا، توبـه، صـلوات، تلاوت قرآن کریم و فضیلت اطعام در این ماه سخن گفت.

مـاه رمضـان نهمـین مـاه از مـاه هـای قمـری و بهتـرین مـاه سـال اسـت. واژهٔ رمضـان از ریشـهٔ «رمـض» و بـه معنـای شـدت تـابش خورشید بر سنگریزه است.

رسـول الله صـلی الله علیـه وسـلم فرمـوده: سـحری بخوریـد در آن برکت است و اگر اذان شام شد هر آنچـــه نـزد تـان اسـت نـوش جـان نمائِیـد بـاک نـدارد. و اگـر در صـورت اشـتباه و فراموشـی در رمضـان چیـزی خـورده و نوشـیده شـود، روزه خـراب نمـی شـود. فضـیلت مـاه رمضان بسیار زیاد و نا محدود است.

□ ع – علم

تربیت جسم و جان در رمضان



بـا آنکـه حکمـت هـای عدیـدهٔ در مشروعیت مـاه مبـارک رمضـان تـذکر رفتـه امـا اساسی ترین حکمـت آن تـر بیـت جسـم و جـان اسـت یعنـی حکمـت روزه تعـذیب جسـم و شـکنجهٔ روح نیسـت. در نوشـته هـا و مقـالات دانشمندان محتـرم همـه سـاله مقـالات بـه ایـن مناسبت نشر می گـردد کـه تکـرار مـتن مقـالات را تحصیل حاصـل دانسـته بجـای ذکـر احکـام و فضائل که بارها تکرار شـده بـه حکمـت فرمـوده الهی (یریدالله بکم الیسـر ولایریـد بکـم العسـر) بیشتر تمرکز صورت می گیرد.

سـهولت در روزه بـه اسـاس ارشـاد الهـی: (فمـن شـهد منکم الشـهر فلیصـمه ومـن کـان مریضا او علـی سـفر فعـدهٔ مـن أیـام أخـر یریـد الله بکـم الیسـر ولا یریـد بکـم العسـر ولتکملـو العـدهٔ) روزه رکـن سـوم اسـلام اسـت امـا از آنجـائی کـه خداونـد (ج) آسـانی را بـه بنـدگانش بر گزیـده، مـی فرمایـد کسـی کـه مـریض و یـا مسـافر اسـت پـس زمـانی دیگـری را بخـاطر انجام این وجیبـه انتخـاب کنـد زمـانی کـه مـی توانـد بـدون تکلیـف و فشـار جسـمی و روحـی ایـن مـدت را روزه بگیـرد و دلـیلش را چنـین بیـان فرمـوده، خداونـد (ج) بـا فـرض گردانیـدن روزه بشما آسـانی را اراده کـرده نـه سـختی، اگـر در کـدام حکمـی، یـا رکنـی از ارکـان دیـن تکلیف باشد کـه صـحت انسـان را ضـربه زنـد و یـا روح را متـأثر سـازد حکـم خداونـد بـر مبنـی اصل ارادهٔ سهولت و آسانی استوار است.

یعنی بنـده آنچـه را انجـام دهـد کـه باعـث ضـرر جسـمی و روحـی وی نگـردد. شـارع حکمـت فرضـیت روزه را صـحت بـدن و رشـد روح بیـان نمـوده اسـت و اگـر ایـن دو حکمـت تحقـق نیابـد روزه بایـد در زمـان مناسـب دیگـر عملی شود که اثـرش تربیـهٔ جسـم و تزکیـهٔ روح باشـد. در سـفر کـه مشـکلات عدیـدهٔ متوجـه مسـافر اسـت روح خسـته اسـت و در مریضـی هم جسـم و هـم روح همـان اسـت کـه خداونـد ج ایـن تکلیـف را در حالـت مریضـی و سـفر از دوش بنـدگانش برداشـته خـود شـان را در انتخـاب زمـان ادای روزه صـلاحیت داده اسـت. هرچند حکم آیهٔ مبارکـه صـریح و روشـن اسـت نیـاز بـه توضـیح و تأویـل نـدارد امـا بـاز هـم فقهـای کـرام زحمـت بخـرچ داده سـفر و مریضـی را توضـیح داده انـد. بلـی سـفر همـان بیـرون شـدن از خانـه بخـاطر انجـام کـاری کـه مدت آن بین مذاهب بـا اخـتلاف همراسـت. امـا نظر مـن ایـن اسـت کـه سـفر همـان اسـت کـه شـخص در بیـرون از خانـه احسـاس تکلیـف و کمبودی و نـاراحتی کنـد خـواه هشـت سـاعت و یا سه شبانه روز بقـدم شـتر.... اخـتلاف مـذاهب. اما در مسـئلهٔ مریضـی نظـر خـود روزه دار شـرط است تا اینکـه دیگـر کسـی دردش را احسـاس و تکلـیفش را روشـن سـازد. و اگـر شخصـی خودش نسبت مریضـی احسـاس نـا راحتـی کنـد و یـا روزه را بـه ضـرر جسـمی و روحـی خـود فکر می کنـد در آن صـورت همـان إعتقـادش بخـدا کافیسـت و مـی توانـد روزه را بـه وقـت دیگری به تأخیر بیاندازد.

نیازی نیسـت کسـی دیگـری گـراف تـب و مریضـی اش را تشـخیص دهـد. انسـان بخاطر نفـع دنیـوی و أخـروی خـود روزه مـی گیـرد و شـدت و خفـت مریضـی را نیـز خـودش احسـاس مـی کنـد نـه شخصـی دیگری. در محـیط هـا رائـج اسـت کـه مـردم دیگـر بحالـت هـای شخصـی مـردم مداخلـه نموده می پرسـند اینقـدر مـریض هسـتی کـه روزه را مـی خـوری؟ کـه ایـن یـک مداخلـهٔ غیـر اخلاقـی و ارادهٔ تحمیـل احکـام اسـت ارادهٔ که خداونـد نمـی خواهـد امـا بنـدگان نـا آگـاه و بـی إحسـاس بـرای خـود حـق مـی دهنـد. بلـی درد و مریضـی خصـلتی هسـت کـه شـخص مبـتلا آنـرا احسـاس مـی کنـد. یـک انسـان یـا مـریض اسـت و یـا در اثـر امسـاک مـریض مـی شـود ایـن صـلاحیت را خداونـد (ج) بـه بنـدگان خـود داده اسـت کـه خود را به حرج نیاندازند.

احادیـث و روایـات زیـاد وجـود دارد کـه در دیـن حـرج و تکلیـف نیسـت و بنیـاد دیـن بـر سـهولت و آسـانی اسـتوار اسـت هـر حکـم و یـا تکلیـف دیـن یکنـوع آسـایش و راحتـــی را در پـــی دارد. و خداونـــد (ج) فرمـوده اسـت: (و مـا جعـل الله علـیکم فـی الدین مـن حـرج) در پیـروی از احکـام دیـن هیچ نوع حرج و تکیـف وجـود نـدارد اصـول و احکام دین باید بـا رضـایت و طیـب نفـس و علاقمندی تـام اجـرا گـردد و ایـن اختیـار است که باعث ثواب و عـذاب مـی شـود نـه جبر و اکراه. هرگـاه اجـرای یکـی از احکـام دیـن باعـث ضـرر معنـوی و حتـی مـادی گـردد خداونـد (ج) ایـن تکلیـف را از دوش مسـلمانان بـر داشـته اسـت. مـثلاً رفـع تکلیـف روزه در سـفر و مریضـی و یـا قصـر نمـاز در سـفر از نمونـه هـای ایـن دیـن رحمت است.

خوانـندگان عزیـز تصـرف در دیـن و زیـاده روی مایـهٔ خشـنودی خداونـد نمـی گردد. دین همـان اسـت کـه شـارع فرمـوده نه بنـدگان. بـاز هـم تکـرار مـی نمـایم کـه دیـن اسـلام دیـن رحمـت، دیـن نـوازش جسـم و جـان اسـت آنچـه حـرج را همـراه داشته باشد از اسلام نیست.

پیام صلاح الدین ربانی رئیس...

چـالش هـای عمـدهٔ افغانسـتان در زمـان حاضـر نـا امنـی، فسـاد و مـواد مخـدر اسـت. توجـهٔ دولـت و مـردم بـه فلسـفهٔ رمضان ما را در هر سه عرصه کمک مـی کنـد. مـن بـا اسـتفاده از ایـن فرصـت از مخـالفین مسـلح مـی خـواهم مـاه مبـارک رمضان را که مـاه فـیض و برکـت اسـت، بـرای مـردم مسـلمان افغانسـتان، مـاه غـم و انـدوه نسـازند و ایـن مـاه را فرصـتی بسازند برای رسیدن به صلح و امنیت پایدار در کشور.

همچنـان خطـاب بـه حکومـت تـذکر مـی دهـم کـه فسـاد ستون فقرات نظـام افغانسـتان را کـه بـه قیمـت خـون صـد هـا هزار شهید این سرزمین شـکل گرفتـه اسـت و بـه قیمـت خـون هزاران جوان ارتـش و پـولیس دارد تـداوم مـی یابـد، خـم کـرده است. هنوز فرصـت آن هسـت کـه حکومـت افغانسـتان بـا ارادهٔ جدی با فساد مبـارزه کنـد و جلـو تضـعیف نظـام را بگیـرد و مـاه مبـارک رمضـان فرصـت خـوبی بـرای آغـاز ایـن کـار اسـت. همچنان پیام تحریمی اسـلام در رابطـه بـه مـواد مخـدر و تاکیـد رمضـان بـر عبـادت بیشـتر، فرصـتی اسـت کـه مبـارزه بـا ایـن پدیدهٔ را سهل تر می کنـد و بـا اسـتفاده از ایـن فرصـت بایـد بـا روش جدیـد و بـا بـازنگری روش هـای ناکـام صـفحهٔ جدیـدی در مبارزه با آن رقم بخورد.

در پایـان یـک بـار دیگـر بـرای مـردم عزیـز افغانسـتان، رمضان را مـاه آرامـش، بخشـش و نجـات از بـدی هـا و پلشـتی ها و رنج ها می خواهم.

صلاح الدین ربانی
رئیس مؤقت جمعیت اسلامی افغانستان
و رئیس شورای عالی صلح

رخداد مصر کودتا علیه نظام مردم سالاری...

میلیونی مردم آن کشور می باشـد و کودتـا علیـه چـنین نظـامی، تعـرض بـه حقـوق اساسی آن هاست.

آقـای مـراد، رویـداد اخیـر مصـر را محکـوم کـرد و عـلاوه نمـود کـه ایـن عمـل، اختطـاف انقـلاب مصـر اسـت و رونـد توسـعهٔ اجتمـاعی، سیاسـی و اقتصـادی را در ایـن کشور به بن بست می کشاند.

رئیس کمیتهٔ سیاسـی جمعیـت اسـلامی از جامعـهٔ جهـانی خواسـت، در مقابـل ایـن حادثه خاموشـی اختیـار نکننـد و ثابـت کننـد کـه نگـاه آن هـا بـه ارزش هـای مشـترک بشری، مانند حقوق بشر و مردم سالاری یکسان است.

بـه بـاور جمعیـت اسـلامی افغانسـتان نادیـده گـرفتن ارادهٔ مـردم، افـراط گرایـی و تروریزم را تقویت نموده و مشکلات آن ها را هرچه بیشتر فربه خواهد نمود.

جمعیت اسلامی افغانستان بـاور دارد کـه تمکـین نظامیـان بـه قـانون اساسـی مصـر، احترام به ارادهٔ مـردم و برگشـت بـه پادگـان هـای شـان، راه حـل مشـکل کنـونی مصـر است.

چند روز قبل، حکومت غیرنظـامی مصـر زیـر رهبـری محمـد مرسـی کـه از اعضـای حزب اخوان المسلمین می باشـد، توسـط ارتـش از قـدرت کنـار زده شـد و بـه عـوض آن عدلی منصور، رئیس دادگاه قانون اساسـی مصـر بـه حیـث رئـیس جمهـور مؤقـت تعیـین گردیـد. ایـن عمـل ارتـش، خشـم بسـیاری از مـردم مصـر بـه ویـژه هـواداران اخـوان المسلمین را در سراسر دنیا به دنبال داشت.

در پایـان ایـن کنفـرانس خبـری، اعلامیـهٔ جمعیـت اسـلامی افغانسـتان نیـز توسـط رئیس کمیتهٔ سیاسـی بـه خـوانش گرفتـه شـد کـه مـتن کامـل آن در همـین شـماره بـه نشر رسیده است.

مروری بر برخی حوادث امنیتی

○ فیض



۱۴ سرطان:

• به گفتهٔ مسؤولین امنیتی ولایت ارزگان، در یک حملهٔ انتحاری بالای مهمانهٔ کندک قوماندانی ریزرف، ۱۲ نفر کشته شده است. این کندک، در منطقهٔ خیروکاریز شهر ترینکوت موقعیت داشت. این رویداد زمانی رخ داد که تعداد زیادی پولیس در طعام خانه بخاطر صرف نان چاشت تجمع کرده بود.

• در نتیجه درگیری نیروهای محافظت عامه و طالبان مسلح در فراه، ۳ تن از مخالفان دولت کشته و ۷ تن دیگرشان زخمی شدند.

• مقامات محلی هلمند گفته اند، چهار دختر خرد سال زمانی که قصد داشتند از دریا در منطقهٔ لشکری بازار شهر لشکرگاه آب بردارند، با انفجار ماین کشته شدند.

۱۵سرطان:

• بنا به گفتهٔ مقامات امنیتی به رسانه ها، یک مامور ارشد پلیس زن (خانم بی بی) باشندهٔ ولایت کندز که از مدت ده سال بدینسو به صفوف نیروهای پلیس افغان پیوسته بو، در ولایت جنوبی هلمند در مسیر خانه و محل کارش به ضرب گلولهٔ افراد مهاجم کشته شده است.

• ریاست عمومی امنیت ملی طی اطلاعیهٔ گفته اند که، در یک عملیات اوپراتیفی در مربوطات قریهٔ صافیان شهر لشکرگاه ولایت هلمند سه تن تروریست را که مصرف انجام فعالیت های تروریستی، ماین گذاری، ترور و اختطاف بودند بالفعل دستگیر نموده اند.

۱۶سرطان:

• در خبرنامهٔ ریاست عمومی امنیت ملی آمده است، طی یک عملیات خاص از سوی این اداره، پنج تن تروریستان پاکستانی از مربوطات ولسوالی لعل پور ولایت ننگرهار دستگیر گردیده اند.

• گفته می شود، طالبان مسلح در منطقهٔ دیوار سرخ ولسوالی خاک سفید ولایت فراه، سه رانندهٔ موترهای مسافربری را با خود بردند.

• به گفتهٔ سخنگوی والی بغلان به رسانه ها، عبدالله رسول شهردار ولسوالی ده صلاح ولایت بغلان، توسط افراد ناشناس به ضرب گلوله کشته شد.

• مسؤولان محلی شبرغان، از کشته شدن ۱۸ مخالف مسلح به شمول یک والی نامنهاد و دو معاون والی طالبان برای ولایات جوزجان و بلخ خبرداده اند؛ اما طالبان کشته شدن هشت نفر عادی خود را تایید می کنند.

• مسؤولین محلی غزنی به رسانه ها گفته اند که یک محراب مسجد در ولسوالی اندر، از اثر انفجار مواد انفجاری جاسازی شده در آن، تخریب گردید و چهار تن دیگر جراحت بر داشت.

۱۷سرطان:

• به گفته مقام های امنیتی غزنی، مولوی عبدالحکیم یکی از فرمانده هان مشهور گروه طالبان در ولسوالی قره باغ که از نفوذ قابل ملاحظه بالای طالبان محلی این منطقه نیز برخوردار بوده است، در یک عملیات مشترک نیروهای امنیتی در منزلش کشته شد.

• به گزارش رسانه ها؛ رئیس شورای عالی صلح غزنی و ولسوال ده یک، همراه با حاجی شیرخان عضو این شورا، هدف ماینی کنار جاده قرار گرفتند که در نتیجه، رانندهٔ وی کشته و ۵ نفر دیگر به شمول رئیس شورای عالی صلح جراحت برداشته است.

• گفته می شود، دو قوماندان سابق محلی به شمول خسربرهٔ رئیس کمیتهٔ صلح ولایت فاریاب در ولسوالی المار به قتل رسیدند.

• به گزارش رسانه ها، یک دختر که متعلم صنف یازدهم لیسهٔ آریانای شهر کابل می باشد، در صحن مکتب با ضرب چاقو زخمی شده است، اما کسی که این دختر را به چاقو زده است، هنوز شناسایی نگردیده است.

۱۸سرطان:

• در خبرنامهٔ ریاست عمومی امنیت ملی آمده است که موظفین این اداره طی یک عملیات اوپراتیفی در همکاری نزدیک مردم، یک تن ماین ساز ماهر مربوط شبکه های تروریستی طالبان را از مربوطات ولسوالی چمتال ولایت بلخ دستگیر نموده اند. فرد دستگیر شده در جریان تحقیقات ابتدایی بجرم خویش اعتراف و یادآور گردیده که توسط یکتن از قوماندانان گروه طالبان به نام قاری حسن به صفوف آن گروه جذب و بعد از فراگیری تعلیمات نظامی و ماین سازی در کشور پاکستان، عازم ولسوالی چمتال ولایت بلخ شده و تعداد زیاد ماین های بوشکه ئی و کنار جاده ئی را ساخته و به اختیار گروپ های تروریستی قرار داده است. همچنان در یک اقدام دیگر، یک ترموز مملو از مواد انفجاریه که بمنظور آماج قرار دادن مردم بیگناه ما در مربوطات شهر مزار شریف جابجا گردیده بود، توسط مؤظفین امنیت به موقع کشف و خنثی گردیده است.

• سخنگوی والی ارزگان به رسانه ها گفته است، مردان مسلح موتر سایکل سوار، سید رسول ولسوال پیشین چهار چینوی ارزگان را در مربوطات حوزهٔ اول شهر ترینکوت کشته اند.

• به قول رسانه ها، در اثر انفجار ماین کنار جاده در ولسوالی پغمان ولایت کابل، یک موتر آیلکس یک شرکت تجارتی تخریب شد.

• بنا به گفتهٔ مقامات امنیتی سرپل به رسانه ها، قاری منهاج الدین معاون والی طالبان مسلح برای ولایت سرپل در نتیجهٔ یک عملیات ویژهٔ نظامی با یک محافظش دیروز کشته شد.

• به گفتهٔ مقامات امنیتی هرات به رسانه ها، یک سه چرخهٔ زرنج حامل کوچی ها، درمنطقهٔ اوساج ولسوالی اوبه ولایت هرات با ماین کنار جاده ای برخورد کرد که ۲۲ تن شامل زنان و کودکان درین حادثه کشته شده اند.

سرگردانی قانون انتخابات و نگرانی ها

مسؤولان کمیسیون مستقل انتخابات نگرانی شان را در مورد تصویب نشدن قانون انتخابات ابراز کرده گفته اند که اگر تا پایان ماه سرطان این قانون از سوی شورای ملی افغانستان تصویب و توسط رئیس جمهور توشیح نشود، آن کمیسیون انتخابات را به اساس فرمان تقنینی پیشین برگزار خواهد کرد.

سخنگوی کمیسیون مستقل انتخابات گفته است که تصویب قانون انتخابات پس از ماه سرطان دیر خواهد بود و "مانند خینهٔ (حنای) بعد از عید است" که به درد انتخابات سال ۲۰۱۴ نمی خورد.

وی تاکید کرده است که وکلا باید قانون انتخابات را پیش از رفتن به رخصتی های تابستانی شورای ملی تصویب کنند. این کمیسیون قانون انتخابات را در سال ۱۳۹۱ تدوین و برای طی مراحل به وزارت عدلیه و شورای ملی سپرد.

به گفتهٔ مسؤولان کمیسیون مستقل انتخابات، بنا بر اختلافات موجود بین مجلس سنا و مجلس نمایندگان شورای ملی، تا کنون این قانون نهایی نشده است.

محمد علم ایزدیار نایب مجلس سنا گفته است که قرار است به زودی کمیسیون مشترک از هر دو مجلس شورای ملی در مورد نکات مورد اختلاف قانون انتخابات با هم به بحث بنشینند. به گفتهٔ آقای ایزدیار قانون انتخابات پیش از آغاز رخصتی های وکلای شورای ملی – از اول اسد تا پانزدهم سنبله– به تصویب خواهد رسید.

قانون تشکیل و صلاحیت های کمیسیون انتخابات و قانون انتخابات پس از تصویب هردو مجلس شورای ملی به توشیح رئیس جمهور نیز نیاز دارد تا قابلیت اجرایی به خود اختیار کند.

در صورتی که این قانون تصویب و از سوی رئیس جمهور توشیح شود، کمیسیون مستقل انتخابات دارای قانون انتخابات و قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت ها خواهد شد که تا حال به اساس فرمان تقنینی، انتخابات های ریاست جمهوری، پارلمانی و شوراهای ولایتی را برگزار نموده است.

باری قانون انتخابات و قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت های کمیسیون مستقل انتخابات در میزان سال گذشته از سوی مجلس نمایندگان تصویب شده بود که در مجلس سنا معطل قرار داده شد زیرا مجلس نمایندگان با حضور دو خارجی در کمسیون سمع شکایات انتخاباتی توافق نموده بودند و در مورد گزینش اعضای کمسیون های انتخابات و شکایات انتخاباتی خواهان آن بودند تا از سوی یک کمیتهٔ بی طرف انتخاب و به رئیس جمهور معرفی گردند.

اما مجلس سنا با عضویت اعضای خارجی در این کمسیون مخالفت کردند و همچنان گزینش اعضای کمسیون انتخابات را از صلاحیت های رئیس جمهور دانسته بودند. که بعد از حدود هفت ماه جر و بحث های مقطعی و فشار جامعهٔ مدنی و احزاب سیاسی و التیماتوم های کمیسیون مستقل انتخابات که در صورت به تصویب نرسیدن قانون انتخابات، با فرمان تقنینی همانند انتخابات های قبلی روند انتخابات را به پیش خواهند برد، سرانجام به منظور موافقه و به تصویب رسانیدن قانون انتخابات و قانون تشکیل،

ص۸

طرح سهمیه بندی کانکور به اساس...

اجرای عدالت عنوان شده است. تعدادی از نخبگان کشور و آگاهان امور علمی به این باور اند که تطبیق این طرح، لیاقت، شایسته گی و فرزانه گی را در میان داوطلبان از میان بر می دارد.

وزیر تحصیلات عالی در مورد این طرح، از دسترسی متوازن تمام ولایات به تحصیلات عالی و نیمه عالی، تامین شفافیت و عدالت در پروسهٔ کانکور سخن می گوید و این طرح را بعد از فراخوان ملی پیرامون امتحانات کانکور عنوان کرده است. در این روزها فراخوان ملی، آجندای ملی، اجماع ملی، همایش سراسری و ده ها اصطلاحات دهن پرکن در کشور وجود داشته است و فراخوان ملی این وزارت مثل چنین فراخوان های بوده است. بگذاریم از سود و مفاد این طرح که یک اقدام دیگر از سوی وزارت تحصیلات عالی می باشد در حقیقت این وزارت خواسته است، دشواری ها و ناتوانی های این وزارت را با وزارت معارف احاله نماید و پس از اجرای این طرح بدون شک، یک نوع تصادم و هنجار شکنی میان معلم و شاگرد در مکاتب به وجود خواهد آمد.

اگر بپذیریم که در سستیم تحصیلات عالی و طرح اجرای امتحان کانکور تقلبات وجود داشته است و اجرای یک چنین برنامهٔ بزرگ که مسؤولیت آن را این وزارت با امکانات ضعیفی که در دست دارد، می توان قابل تصور دانست؛ زیرا امروز وزارت تحصیلات عالی در برابر زورمندان ولایت نه لشکر دارد و نه گاردهای امنیتی؛ اما در مکتب هر معلم و هر مدیر لیسه به راحتی می تواند، برای شاگرد مورد نظر نمرات بلند بدهد و فضای مکتب را از مسیر اصلی اش که همان آموزش و پرورش سالم است، بیرون سازد. این کار در حقیقت بازگشت تشنج از وزارت تحصیلات عالی به هر مکتب و لیسه می باشد؛ زیرا در این طرح نمرات سه ساله مورد اعتبار قرار می گیرد که بالاتر از ۶۵ درصد بوده باشد. وقتی سهم هر ولایت بر اساس نفوذ رده بندی گردد دیگر جای برای رقابت برای فارغان کل کشور وجود نخواهد داشت و جای شایسته سالاری، لیاقت و ظرفیت علمی را بحث سیاست پر خواهد کرد. بدون شک این یک طرح سیاسی است و بر معیارهای بین المللی موافق نیست.

باید جای لیاقت و شایسته گی را بی کفایتی احراز نکند. یک چنین طرح از سال های دراز بدین سو در مورد ارتش و پولیس وجود داشته است که بدترین تجربهٔ تلخ به ویژه در مورد شمولیت در اکادمی پولیس می باشد. در سال های قبل به هر وسیله و ذرائع کوشش می شد، تا فرزندان صاحب ثروت در این برنامه جذب گردند و همین اکنون چنین سهمیه بندی بر اساس سهمیه بندی قومی در پولیس و ارتش وجود دارد. این کار در حقیقت راه یافتن دانشجویان به دانشگاه های دولتی بر مسائل قومی و منطقه یی صورت خواهد گرفت که دیگر مفهوم کانکور به آن معنای که در نزد شهروندان کشور وجود داشت، وجود نخواهد داشت.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

●مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشـــه هـــای مقـــالات غیـــر از ســـرمقاله لزومـــاً مبـــین آرا ومواضـــع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم –سال دوازدهم – شمارهٔ شانزدهم ۲۲ سرطان ۱۳۹۲ ۴رمضان المبارک ۱۴۳۴ - 13 July 2013

په پاکستان کې د مهاجرینو ستونزې



□ زهیر

د روان میلادي کال د جون د میاشتې په وروستۍ نیټه په پاکستان کې د افغاني مهاجرینو د اوسیدلو قانوني موده پای ته رسیدلې ده چې ورسره سم د پاکستاني پولیسو غوا لنګه شوې او ددغه هیواد په بیلا بیلو ښارونو او سیمو کې د میشتو افغاني مهاجرینو تنګول، بندي کول او ورڅخه پیسې اخستل یې پیل کړي دي.

په پاکستان کې دا مهال نږدې د دوه میلیونو په شاوخوا کې مهاجرین اوسیږي چې اوه لس لکه یې ثبت دي او د خپلو هغو کارتونو پر بنیاد پدغه هیواد کې قانوني هستوګنه کوي چې درې کلونه وړاندې په دوه زره نهم کال کې ورته تمدید شوي او ورته نوی کارتونه ورکړل شوي وو؛ چې له مخې یې پدغه هیواد کې له یو ځای بل ځای ته تګ راتګ کولی شو، په تعلیمي ادارو کې زده کړې کولې شوې او خپلې بانکي حسابات یې پرې خلاصولی شو. خو د جون د میاشتې په وروستۍ نیټه یې تمدید شوې قانوني موده پای ته ورسیده چې ورسره یو ځل بیا له ستونزو سره مخ شوي دي؛ ځکه ډیرو مهاجرینو له بانکونو څخه د خپلو هغو پیسو ویستلو قانوني جواز له لاسه ورکړ چې یې ورته په بهر کې میشت د کورنیو غړي یا خپلوان ورلیږي او هم ډیر نور د پولیسو لخوا زورول او تنګول اغاز شوي، چې معمولا پدغسې حالاتو کې پاکستاني پولیس په مهاجرینو ډیر ظلمونه کوي او ورڅخه پیسې اخلي. که څه هم تیره دوه اونۍ مخکې د پاکستان د قبایلي چارو وزیر عبدالقادر بلوچ د افغانستان د مهاجرینو د چارو وزیر جماهیری انور او د ملګرو ملتونو د مهاجرینو د کمشنرۍ په کابل کې د استازي په درې اړخیزه غونډه کې پدې پریکړه وشوه چې د نورو دوه نیمو کلونو لپاره به هم د نورو امتیازاتو سره په افغانستان کې هغو میشتو مهاجرینولپاره نوي شناختي کارډونه وویشل شي چې پخواني شناختي کارډونه ولري چې لدغه اعلان سره په پاکستان کې میشت افغان مهاجرین خوښ شوي وو مګر د عمل په ډګر کې لا تر اوسه ددغې پریکړې کوم اغیز ندی په سترګو شوی؛ ځکه د یوې اونۍ په دوران کې د پاکستان په ګڼو ښارونو کې ددغه هیواد پولیسو د افغان مهاجرینو تنګول، بندي کول او ورڅخه پیسې اخستل پیل کړي دي او د قانوني مودې په پای ته رسیدلو سره په مهاجرینو کې خپره شوې ویره او بی اعتمادي لا تر اوسه موجوده ده؛ ځکه دغه مهاجرین خپل هیواد ته د شته نا ارامیو، د ناروغانو د لرلو، هلته په تعلیمي ادارو کې د زده کړو د کولو او د ډیرو کورنیو د بد اقتصادي حالت لامله راتلای نشي. او له بلې خوا ورته په هیواد کې د کار پیدا کیدو زمینې هم برابرې ندي. نو پکار ده نړیواله ټولنه په پاکستان فشار راوړي تر څو ترسره شوې درې اړخیزه پریکړه ژر عملي کړي او پدغه هیواد کې میشتو مهاجرینو لپاره د نوو کارتونو توزیع اغاز کړي او هم چې تر څو دغه پروسه په پوره ډول بشپړه شوې نه وي؛ ټولو مهاجرینو ته کارتونه رسیدلي نه وي ددغه هیواد امنیتي ارګانونه او په ځانګړي توګه پاکستاني پولیس د مهاجرینو تنګول، وهل او ورڅخه بډې اخستل پریږدي.

طرح سهمیه بندی کانکور به اساس تعداد نفوس ولایات

◇ تکساری

بعد از سال ۲۰۰۱ میلادی تحصیلات عالی در افغانستان از کمیت بلند برخوردار گردید و قانون اساسی برای اتباع افغانستان اجازه داده است، تا به اجازهٔ دولت به تاسیس موسسات تعلیمات عالی عمومی، اختصاصی و سواد آموزی اقدام نمایند و در مادهٔ ۴۶ قانون اساسی آمده است که: شرایط شمول در موسسات تعلیمات عالی دولتی و سایر امور موبوط به آن توسط قانون تنظیم می گردد. بر اساس چنین سند تقنینی در همه ولایات افغانستان موسسات تحصیلات عالی دولتی و یا خصوصی وجود دارد و این موسسات با سویه های مختلف به فعالیت های خویش ادامه می دهند. بگذریم ار این که چگونه از کیفیت و جوهر علمی برخوردار اند. طی سال های اخیر سیستم کانکور در افغانستان خبر ساز بوده است، هر سال در مورد جعل و تزویر، عدم شفافیت و افشاء شدن سوالات عمومی کانکور نا رضایتی های را در میان مردم به وجود آورده است و تداوم این کار بدون شک از اعتبار تحصیلات عالی در میان مردم می کاهد.

چندین دهه بعد از تاسیس پوهنتون کابل در سال ۱۳۱۱ هـ . خ مسؤولیت امتحان و تقسیمات فارغان صنوف دوازدهم به موسسات تحصیلات دولتی عالی و نمیه عالی اکثراً به دوش استادان پوهنتون کابل بود و از چنین ظن و گمان های امروزی بر کنار بود و اعتبار خود را در میان مردم حفظ نموده بود؛ اما در آن شرایط نه تنها تحصیلات عالی خصوصی وجود داشت و نه متقاضیان به چنین کمیت. تعدد تحصیلات عالی دولتی و خصوصی و تقاضای بیش از حد مردم افغانستان به تحصیلات عالی و نبود یک برنامهٔ مضبوط و فراگیر چنین دشواری های را به وجود آورده است. سستیم های مختلف بعد از سال های ۲۰۰۱میلادی در کانکور عمومی تحصیلات عالی رویدست گرفته شد و هر تجربه دشواری های را به وجود آورد. در این تجارب شیوه های کانکور ایرانی، هندی و سایر کشورها به کار گرفته شد و چاپ سوال ها مدتی از صلاحیت وزارت محترم تحصیلات عالی بیرون ساخته شد و سوالات به طور نمونه در مطبعهٔ پلچرخی مربوط به امریکائیان به چاپ می رسید که سوال بر انگیز بود.

افشای سوالات و استفاده از طریق موبائل، نفوذ والیان و افراد صاحب نفوذ در ولایات، این کانکور را از مسیر اصلی اش بیرون ساخت و تو: "خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل." اما در گذشته ها آنچه در مورد امتحان کانکور در میان مردم نهادینه شده بود، همان لیاقت، ظرفیت و استعداد فردی بود که در این رقابت اشتراک می ورزیدند. هیچ گاه کسی که در امتحان کانکور تا سال های قبل از ۱۳۷۱ به موسسات تحصیلات عالی دولتی و نیمه دولتی راه نمی یافتند، از عدم شفافیت سخن نمی گفتند و بر چانس و ظرفیت خویش مطمئن بودند. روی این معضل وزارت تحصیلات عالی طرح سهمیه بندی را بر اساس نفوس ولایات به کابینهٔ دولت تقدیم داشته است و ادعای این وزارت در مورد این طرح همانا

ص۷

دولت قطر و دفتر طالبان!

ص۵



سرگردانی قانون انتخابات و نگرانی...

وظایف و صلاحیت های کمیسیون مستقل انتخابات، کمیسیون مختلط از هر دو مجلس – مجلس نمایندگان و مجلس سنا – تعیین و به تاریخ ۲۵ حمل سال جاری، قانون متذکره از سوی کمیسیون مختلط شورای ملی به تصویب رسید. اما این قانون روزگاری را در ارگ ریاست جمهوری گذرانید و رئیس جمهور حامد کرزی تعدیلاتی را وارد کرد که برای بار دیگر این قانون زیر بحث در پارلمان کشور قرار دارد.

هر روز که می گذرد به انتخابات نزدیک می شویم و زمان بر نمی گردد. مطابق تقسیم اوقات اعلام شده از سوی کمیسیون مستقل انتخابات قرار است در تاریخ ۱۶ حمل ۱۳۹۳ انتخابات دور سوم ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی برگزار گردد. تعیین رئیس و اعضای کمیسیون مستقل انتخابات نیز بستگی به توشیح این قانون دارد. هر قدر این قانون در سرگردانی بسر ببرد کارهای عملی انتخابات آغاز خواهد گردید که حتماً چالش ها و نگرانی هایی را در پی خواهد داشت. آگاهان امور بیم از آن دارند که دولت افغانستان نیات دیگری را در قبال انتخابات خواهد داشت که این پروسهٔ ملی را به کُندی مواجه می سازد.